

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله...

زمینه‌های که بیروزی ریگان جنایتکار را بعنوان کاندیدای حزب جمهوریخواه برکارتر جنایتکار رهوار نمود، از یک سو گسترش بحران اقتصادی و رشد مبارزات زحمتکشان و اقلیت‌های ستمدیده‌سیا هیوست و سرخ پوست آمریکا و از سوی دیگر شکست‌ها و مشکلات امپریالیسم آمریکا در عرصه جهانی بود. در حال حاضر بحران اقتصادی که جهان امپریالیستی را دربر گرفته در آمریکا نیز عمیق یافته است بعنوان نمونه در چهار سال پیش نرخ تورم ۷۴٪ بود و حال آنکه در شرایط کنونی به ۱۲۲٪ افزایش پیدا کرده است. به علاوه در چهار سال گذشته تعداد سیکاران به ۲ میلیون نفر می‌رسید و حال آنکه در شرایط حاضر ۸ میلیون نفر بیکار در آمریکا وجود دارد. بصر واضح است که در بستر فشارهای تراست‌ها و انحصارات و بحران اقتصادی موجود در شرایطی که ما و مبارزات نمیتوانست رشد پیدا نکند، در عرصه بین‌المللی مبارزات خلق‌ها شکست‌های متعددی را به آمریکا یا نکی تحمیل کرد. مبارزات دلاوران خلق‌های ایران و ازبیکستان رفتن رژیم سلطنتی شاه مزدور، مبارزات قهرمانان مردم نیکاراگوئه و سقوط سوموزای دیکتاتور و... ضربات سنگینی بر امپریالیسم آمریکا وارد ساخت و اضافه بر آن گروگانگیری جاسوسان آمریکایی در تهران، رقابت طلبی‌های سوسیال امپریالیسم و لشکرکشی‌اش به افغانستان دولت کارتر را با مشکلات مشخصی روبرو ساخت.

با توجه به این مسائل است که حزب جمهوریخواه به تبلیغات امپریالیستی گسترده دست زده کارتر را مسئول تمامی این معضلات نشان داده و زمینه بیروزی کاندید خود را فراهم می‌آورد. در واقع بیروزی ریگان بر کارتر، بیروزی یک گروه‌بندی مالی برگروه‌بندی مالی دیگر و بیروزی سیاست امپریالیستی فشار عربیان و مستقیم بر سیاست امپریالیستی فشار تحت پوشش عوام‌فربانی نه "حقوق بشر" می‌باشد. حقیقت آنکه هیچ تفاوت کیفی میان سیاست دولت کارتر و سیاست دولت ریگان وجود ندارد. سیاست هر کدام از اینان، سیاست سرمایه مالی یعنی سیاست تحسین و غارتگری و توسعه طلبی امپریالیستی است. آنچه که این دو سیاست را از یکدیگر جدا می‌سازد این است که در میان این دو سیاست گروه‌بندی‌های مالی مختلف می‌باشند. ویژگی سیاست کارتر در آنست که در جایی که جنبش توده‌ای رشد یافته، به‌سازش‌های طبقاتی حدیدروی می‌آورد این سیاست در پی آنست تا از این راه‌ها زواج گیری مبارزه طبقاتی و انقلاب جلوگیری کرده و بدین صورت جنبش خلق‌ها را سرکوب نماید. اما یک لحظه نباید به تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی افتاد که گویا امپریالیسم آمریکا برای

حفظ منافعی، در زمان دولت کارتر به سرکوب مستقیم و مداخله نظامی نپرداخت. شکارگری‌ها و حنا یات امپریالیسم آمریکا در زمان کارتر بر عربیان ترانزآند که بتوان آن‌ها را پوشانند. کودتای آمریکا در ترکیه و یولیوی و غیره، مسلح نمودن مدافعان اسرائیل صهیونیست و کشتار فلسطینی‌ها در جنوب لبنان، مسلح نمودن رژیم شاه‌خائن و کشتارهای متعدد توده‌های خلقی توسط ارتش آمریکا، مسلح نمودن دیکتاتوری سوموزا و کشتار خلق نیکاراگوئه، تسلیح رژیم فاشیستی کره جنوبی و سرکوب توده‌ها و دانشجویان این کشور، حمایت فعال از رژیم مارکسوس و سرکوب نیروهای مترقی، حمایت نظامی و سیاسی همه‌جانبه از رژیم‌های دیکتاتوری - نظامی برزیل، آرژانتین و دیکتاتور پینوشیه - فاشیست و... همه و همه شاهدان مدعا است.

اما سیاست ریگان عربی‌تر و بدو را زوایا آفرینی - های حقوق بشرکار تراست، در گذشته ریگان جزو مخالفین سرسخت سرخ پوست‌ها سیاه‌پوست‌ها و زردکمون‌نیست‌های قهار بوده است. او با جملات مرتجعانه و بیشتر مانع خود به نیروهای کمونیست و مترقی و کارگران و در واقع بانوکری کاملاً بورژوازی امپریالیستی حاکم از حرفه هنرپیشگی به سختی جناح سرسخت حزب جمهوریخواه تبدیل شد. او در سال ۱۹۶۴ برای پیروزی گلدواتر، این جنگ طلب معروف، بشدت فعالیت می‌نماید و با لایحه بعنوان کاندیدای حزب جمهوریخواه معرفی گشته و با زور سرمایه و تبلیغات بخشی از سرمایه مالی امپریالیسم آمریکا پیروز می‌شود. برای شناخت از گونگی بیروزی او همین اندازه کافی است که بکشیم در طول انتخابات ۸۷٪ از کمپانی‌های عمده آمریکایی و ۶۷٪ از کمپانی‌های متوسط آمریکا را ریگان پشتیبانی کرده و برای پیروزی میلیون‌ها دلار پول خرج کردند. "سازمان ملی تفنگ‌ها که یک موسسه امپریالیستی بوده و موافق گسترش فعالیت‌های نظامی و تسلیحاتی است، برای پیروزی ریگان یک میلیون دلار خرج نمود. بدین ترتیب آشکارا روشن است که ریگان مانند کلیه روسای جمهوری آمریکا نماینده غارتگران، جنگ افروزان، جنایتکاران بین‌المللی و در یک کلام نماینده مستقیم بخش‌های مختلف سرمایه مالی می‌باشند. از این جهت آنچه در مورد حاکمان مستقیم ریگان با بدگفت اینست که او توسط گروه‌بندی مالی امپریالیستی که در زمینه نظامی، نفت، صنایع الکترونیک و زمین‌بازی فعالیت دارد حمایت شده و بقدرت رسیده است. این گروه‌بندی همان بخشی از سرمایه مالی است که نیکسون را بقدرت رساند و علاوه بر ریگان جنایتکار مورد حمایت فعال جورج بوش رئیس سابق سیا و سناتور میلیونیتر جمهوریخواه بوده و از جانب فورد و هنری کیسینجر که مورد حمایت را کفراست تا شید شده است.

برای اینکه سیاست‌های امپریالیسم آمریکا دقیق‌تر روشن شود کافی است به برنا سه سیاست‌های داخلی و خارجی ریگان نگاه کنیم. کوتاه‌بینانند:

در زمینه سیاست داخلی دولت ریگان در پی آنست تا به تشدید سرکوب علیه سیاه‌پوست - ان سرخ پوستان بپردازد و با افزایش هزینه‌های نظامی فشار بیشتری را بر کارگران و زحمتکشان آمریکا وارد آورد. اگر چه ریگان در نطق‌های انتخاباتی خود گفته است که ۳۰٪ مالیات‌های دولتی را کاهش خواهد داد، اما لازم به تذکر است که سیستم پیشنهادی او اساساً منجر به کاهش مالیات‌های شرکت‌ها و انحصارات بزرگ امپریالیستی می‌گردد. وجه بارز سیاست داخلی ریگان افزایش بودجه دفاعی (نظامی - هسته‌ای) می‌باشد. در سال ۱۹۷۹ بودجه نظامی آمریکا به ۱۲۷ میلیارد دلار میرسد، ریگان نظردارنده تا ۱۵۰ میلیارد دلار بر هزینه نظامی بیافزاید.

در زمینه سیاست خارجی دولت ریگان خواهان تحکیم مناسبات آمریکا با امپریالیست‌های اروپای غربی و ژاپن از یک سو و تشدید رقابت و مقابله جویی با سوسیال امپریالیسم شوروی از سوی دیگر می‌باشد. در همین رابطه دولت ریگان در پی استحکام بخشیدن به قدرت نظامی آمریکا و اروپا و تقویت سلطه خود در بیمن آن تلاش‌تیک است. ریگان با پیگیری استراتژیک محدودیت سلاح‌ها یا سالت ۲ که میان شوروی و آمریکا منعقد گشته شدیداً مخالف بوده و خواستار تشدید مسابقه تسلیحاتی با امپریالیسم شوروی می‌باشد. سیاست ریگان در قبال منطقه - ترین رژیم‌های ارتجاعی، سیاست حمایت فعال است. بر این اساس ریگان کارتر را بخاطر روی برگرداندن از شاه مزدور روسا موزا سرزنش کرده و خود در پی حمایت گسترده‌ای از اسرائیل صهیونیست، چین چیانگ کای چیک، کره جنوبی و غیره می‌باشد. در رابطه با ورمیانه و منطقه خلیج فارس، سیاست ریگان مبتنی بر واگذاری امتیازات بیشتر به صهیونیست‌های اسرائیلی و سرکوب فاشیستی جنبش فلسطین می‌باشد. ریگان اخیراً سازمان آزادبخش فلسطینی را یک "گروه تروریست" خوانده و بدین ترتیب خط عمومی سیاست امپریالیستی خود را نسبت به خلق فلسطین آشکارا می‌سازد. ریگان در تداوم سیاست دولت کارتر مبنی بر تحکیم موقعیت آمریکا در منطقه خلیج فارس در پی آنست تا عربستان و عمان را هر چه بیشتر مسلح نموده و موضع نظامی یا نکی‌ها را در خلیج فارس تقویت نماید. و با لایحه آنچه در مورد مناسبات آمریکا و ایران با است گفت اینکه دولت ریگان در عین پیشبرد سیاست سازش با رژیم ایران و برقراری مناسبات

بقیه در صفحه ۱۷

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



گرفتن حقوق برای کارگران در جنگ حرام است!

جنگ غیرعادلانه کنونی برای کارگران نافع است که هر روز اثرات ناگوار آن را در زندگی روزمره شان لمس میکنند، حدود سه هفته است که شرکت گفش چمدان ترکمیدوسخت و مواد خوابیده است و کارگران این شرکت بدون اینکه کاری داشته باشند به کارخانه رفته و در آنجا می نشینند، این روزها کارفرما وعوای مسلمانان را با بیعت کرده اند که کارگران نباید حقوق بگیرند زیرا حرام است، یک کارگر زن که این خبر را شنیده بود، در حالی که گریه میکرد، میگفت: خدا عالمین این جنگ را دلیل کند، کجای این حقوق حرام است، ما که روزی هشت ساعت روی این رطوبت می نشینیم و با درد و کمردرد گرفتاریم، کرابه خانه از کجا بیاورم، بول شیربچه مرا از کجا بیاورم...

کارگران این شرکت همگی مظلومند و نگران آینده خود و خانواده شان هستند، آری جنگ کنونی که هیأت حاکمه ارتجاعی ایران و عراق به کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده اند، برای کارگران و زحمتکشان جز گشتار و ویرانی، گرسنگی و خانه خرابی نمراتی ندارد، آنها میگویند این جنگ چون به نفع ما نیست هر چه زودتر باید قطع شود.

کارگران قربانی سهل انگاری افراد بسیج شدند!

در روز سه شنبه ۵۹/۷/۲۲ در کارخانه های راجین یکی از افراد بسیج یک گلوله (آبی، جی ۷) را به کارخانه میاورد و به نگهبانی میگوید که "این گلوله عمل کرده است و خطری ندارد." نگهبان گلوله را بدست کارگران میدهد و میگوید: "آن را از کردستان آورده اند"، کارگران که کنجکا و میشوند، به آن دست میزنند، گلوله منفجر شده و دو نفر از کارگران کشته میشوند.

اخراج ۵۰ کارگر گیلان ابریشم

مهندس منصودی رئیس سابق هیات مدیران فومن که رئیس کارخانه گیلان ابریشم هم میباشد ۵۰ نفر از کارگران را اخراج کرده و گفته است برای اینکه کارخانه نخواهد، شما باید فدا بقیه بشوید و در ضمن این فرد را که رزمیخواهد بقیه در صفحه ۷

جنگ بهانه ای برای تشدید استثمار کارگران!

پر پولتر شود!
* - به ساعات کار کارگران اضافه میشود، در حالیکه سرمایه داران همچنان در رفاه و آسایش بسر میبرند.
* - فرزندان کارگران و زحمتکشان به جنگ فرستاده میشوند و گوشت دم شوی سرمایه داران می شوند، در حالی که نور چشمی های سرمایه داران راست راست میگردند و همچنان به عیاشی مشغولند.
* - مضای طویل نفت، نان، گوشت، بنزین و غیره، گرانی، کمبود مواد غذایی، آوارگی و خسارت جنگ نصیب کارگران میشود، در حالی که سرمایه داران و تجار با استفاده از این وضع قیمتها را بالا کشیده، احتکار کرده و بیترسود میبرند.
* - برای سرخرابی و کمبود مواد و تعطیل کارخانه ها، نصیب کارگران، اخراج و مرخصی بدون حقوق میشود، در حالی که نصیب سرمایه داران تفریحات و گردش میگردد.

این کارگران هستند که با بدتوان جنگی که بزیان مینافشان است بپردازند.
جنگ ایران و عراق جنگی است علیه زحمتکشان دو کشور!
مستحکما دستها را از کارگران و زحمتکشان ایران و عراق!
ما زمان بیکار در در راه آزادی طبقه کارگر تراکت شماره ۹۶

کارگران مبارزان رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران مفتخور میگویند که جنگ ایران و عراق بخاطر دفاع از منافع مردم ایران است، پس کارگران هم باید بیشتر کار کنند و تولید را افزایش دهند.
* - آنها میگویند: چون ما (سرمایه داران) در حال جنگ هستیم، پس باید یک روز از حقوق کارگران را کم کرد.

* - آنها میگویند: چون ما (سرمایه داران) در حال جنگ هستیم، پس باید فقط کارگران و سایر زحمتکشان در ذخیره غذایی صرفه جویی کنند و یک وعده غذا نخورند و رستورانهای غذا خوری را در کارخانه ها تعطیل کنند.
* - آنها میگویند چون مواد اولیه کارخانه نرسیده و سود چندانی بدست نمی آید و حتی ممکن است برای ترمیم کارخانه خسارت ببینند، پس کارخانه باید تعطیل شده و کارگران بدون حقوق مرخص شوند...

اما می بینیم که این جنگ نه تنها فایده ای برای کارگران ندارد، بلکه دقیقا به ضرر آنها است. زیرا:

* - یک روز از حقوق آنها را کم میکنند و از شکم زن و بچه آنها میزنند و آن را در جیب گشاد سرمایه داران سرازیر میکنند!
* - یک وعده غذا و رستورانهای غذا خوری را تعطیل میکنند، تا در عوض سرمایه داران جیبشان

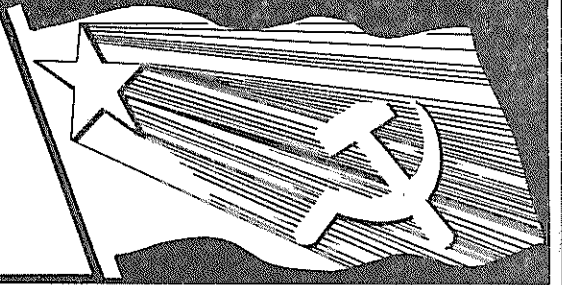
ضرب و جرح کارگران بخاطر حق طلبی به بهانه جنگ!

به انجمن اسلامی با چوب و کلنگ به سر و کمر کارگری که حقش را میخواسته میزند، بطوریکه سر او شکسته میشود، کارگران که این جریان را مشاهده میکنند، او را به بیمارستان میبرند بعد از زخمی زدن، هیچ پزشکی حاضر به نوشتن استراحت برای او نمیشود، این حرکت مورد نفرت کارگران قرار میگیرد و کمیته همبها طرود شما می و به اصطلاح پشتیبانی از کارگران کارگروا بسته به انجمن اسلامی را دستگیر میکنند.

در تاریخ ۵۹/۷/۲۵ در اداره آب گیلان، کارگری را بعنوان اینکه چرا مسئله "دستمزد" برای "افزافه کاری" را مطرح میکند، بوسیله کارگری وابسته به انجمن اسلامی مورد ضرب و جرح قرار میدهند، البته این کتک کاری به بهانه اینکه چون مادر "جنگ با عراق هستیم" و توحق نداری مسئله پول را مطرح کنی صورت میگیرد.
جریان به این ترتیب است که کارگروا بسته

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۴)

انحراف رویزیونیستی و آنارشستی در تبلیغ نیاز اساسی توده‌ها

را با ترهات رفرمیستی خودنجات میدهند. در حالی که کمونیست‌ها نیازهای توده‌ها را می بینند و حتی رفرم‌ها هم می پذیرند. منتها در جهت انقلاب و افشای اقدامات رفرمیستی چنین هیات حاکمه‌ای.

مثلا فدائیان خلق در اعلامیه مهر ۵۷ به مناسبت آغاز سال تحصیلی در دانشگاه خراج گاردا زدا نشگاه را بعنوان شعار محوری جنبش دانشجویان انقلابی تبلیغ کرده بودند. (البته بایستی توجه داشت که در آن موقع این یک انحراف رویزیونیستی بود ولی فدائیان هنوز انقلابی بودند نه رویزیونیست). تبلیغ این شعار بعنوان شعار محوری در آن هنگام به معنای در غلطیدن به رفرمیسم بود. در زمانی که توده‌های انقلابی سرنگونی شاه‌خائن را طلب میکردند و در هنگامی که حتی موقعیت انقلابی وجود داشت می بایستی شعارها بودی سرمایه داری وابسته و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق تبلیغ میگشت. طبیعی است اخراج گارد زدا نشگاه، جنبش دانشجویان انقلابی بود. اما این نیاز در قبال نیاز اساسی تریبوسی انقلاب دمکراتیک میهن رنگ می باخت و بیسی اهمیت میشد، تکرار این شعار رفرمیستی در آن هنگام، معنای جزیره زدن به انقلاب ایران نبود. طبیعی است که واگیری انقلاب رژیم را به عقب نشینی کشید و اخراج گارد زدا نشگاه خود بخود عملی میشد و آن هم نه با مبارزه برای خواست نازل اخراج گارد زدا نشگاه در چنین هنگامی، بلکه با شعار سرنگونی رژیم رویزیونیستی به تبلیغ رفرمیستی حول نیازهای می پردازند، در حالیکه تبلیغ انقلابی و کمونیستی، عبارت است از: توجه به نیازهای اساسی توده‌ها و در عین حال استفاده از رفرم‌های جزئی در جهت انقلاب ضمن افشای رفرمیسم.

آنارشستها اولاً برای شناختن نیازهای توده‌ها، از خودشان حرکت میکنند. آنها نیازها را که خود برای توده‌ها تصور میکنند مورد تبلیغ قرار میدهند. آنها نیازهای واقعی توده‌ها را نمی خواهند بشناسند. آنها

طبیعی است که رویزیونیست‌ها و آنارشستها هر دو نمی توانند به تبلیغ کمونیستی حوال نیازهای اساسی توده‌ها بپردازند. آنها هر یک "اساسی ترین مسئله توده‌ها" و "نیازهای توده‌ها" را از دیدگاه خویش که با منافع و نیازهای توده‌ها در تضاد قرار میگیرد، معین میکنند.

رویزیونیست‌ها، اولاً همیشه به کوچکترین و کم اهمیت ترین مسائل توده‌ها توجه میکنند، نیروی خود را صرف پیش یا افتاده ترین نیازهای اقتصادی توده‌ها می نمایند و میکوشند با شیوه‌هایی که در خدمت سازش طبقاتی است بدان جا مداخله بپوشانند. آنها به نیازهای انقلابی توده‌ها در جهت شناختن طبقات حاکم و بسطی سرنگونی حاکمیت طبقاتی که مداخله نمی پوشانند، آنان میکوشند نیازهای توده‌ها را فقط در چهار چوب تنگ نیازهای ساده و روزمره (که از نظر کمونیست‌ها این مسائل نیستند) رای اهمیت اند (به بند گذشت).

ثانیاً رویزیونیست‌ها هنگامی که به مسائل توده‌ها، نمی خواهند آنان را در جهت شناختن مسائل انقلاب مورد آموزش قرار دهند. مثلاً رویزیونیست‌ها توده‌های وسیع‌تری از بیسی مسکنی و فقر زحمتکشان ما حرف میزنند و همبطور روزنامه‌های بورژوازی نظیر کیهان، میزبان و جمهوری اسلامی، آنها عکس‌خرا به‌ها را میاندازند اما نمی گویند عامل این فقر و بدبختی کیست و برای نجات آنان راه‌های دیگری را بر انداخت. آنان این مسائل اساسی را بگونه‌ای توضیح میدهند که بورژوازی از تیررس ضربات انقلابی توده‌ها در امان بماند.

حرکت رویزیونیست‌ها از نیازهای توده‌ها، در حقیقت حرکتی رفرمیستی است. عدم درک اولویت نیازهای توده‌ها، در بند کشیدن تبلیغ در حول نیازهای اقتصادی و اولیه توده‌ها عدم ارتقاء مبارزات توده‌ها از حول مبارزه برای نیازهای توده‌ها بسوی سرنگونی بورژوازی و... در حقیقت تبلیغ کمونیستی نبوده، بلکه تبلیغ رفرمیسم است. رویزیونیست‌ها در حقیقت نمی گذارند نیازهای انقلابی توده‌ها، با تحقیق و سوسیالیسم عملی شود، آنها دولتها را بورژوازی

آنارشستها نیز نمی خواهند توده‌ها را هنگامی که به مسائل آموزش قرار دهند، آنها پیوسته حرکت از خاص به عام را برای آموزش توده‌ها نمی شناسند آنها آنقدر از توده‌ها دور شده اند که توده‌ها حرفهای آنها را از آن خود نمی دانند و آن را در نمی یابند. آنها رشیستها در حالیکه سرهای خود را آنقدر بالا گرفته اند که نیازهای واقعی توده‌ها را در نمی یابند و فقط "به سوسیالیسم" می اندیشند. و وقت ندارند به مسائل و نیازهای اساسی مشخص توده‌ها پاسخ دهند و آنان را بدین ترتیب مورد آموزش قرار دهند. اما لنین چقدر زیبا تشابه کمونیست‌ها و تروریست‌ها (بخوان رویزیونیست‌ها و آنارشستها) را در این مورد هنگامیکه در مورد دو وجهای بیسن انحرافات سخن میگوید نشان میدهد:

"کمونیست‌ها و تروریست‌ها یکنوئی بسک ریشه مشترک دارند و آن سرفروا و بردن در برابر جریانی خود بخودی است... در نظر اول این ادعای ما ممکن است خلاف گوئی جلوه کند زیرا ظاهراً تفاوت بین کسانی که روی "مبارزه‌های روزمره" اصرار می ورزند و آن‌هایی که افراد جداگانه را به فداکارانه ترین مبارزه‌ها دعوت می نماید، بسیار است، ولی این خلاف گوئی نیست، کمونیست‌ها در مقابل جریان خود بخودی "نهضت صد درصد کارگری و تروریست‌ها در مقابل جریان خود بخودی خشم و غضب فوق العاده آتشین روشننگرانی که نمی توانند و با امکان ندارند، فعالیت انقلابی را با نهضت کارگری در یک واحد کل بهم پیوندند." (چهارم یادکرد).

نتیجه یکی است، رویزیونیست‌ها که از انقلاب و سوسیالیسم نفرت دارند، میکوشند تا کارگران در چهار چوب خواستها و نیازهای محدود و بورژوازی حرکت کنند و آنارشستها نیز نیازهای توده‌ها و آموزش توده‌ها از خلال مبارزه در جهت همین نیازها را نمی شناسند و نمیخواهند بشناسند. بدین ترتیب این دو از تبلیغ کمونیستی برای رفع نیازهای توده‌ها و آماده کردن آنان برای انقلاب و سوسیالیسم چشم می پوشند. و منافع تاریخی پرولتاریا را لگدمال میکنند

زده آنارشستها مبارزه برای نیازهای توده‌ها جز مبارزه برای انقلاب و سوسیالیسم (که آنها هرگز واقعاً خواهند آن نیستند) راه کمونیستی مبارزه برای آن را نیز نمی شناسند) معنای دیگری ندارد، آنها نمی فهمند که از رفرم‌ها نمیتوان و با بیدردی انقلاب سود جست. آنها اینکه هنگام مبارزه برای نیازهای "کوچک" توده‌ها، میتوان آنها را برای نیاز "بزرگ" یعنی انقلاب آموزش داد، درک نمیکنند شما آنارشستها را در نظر بگیرید که در سال ۵۵ به کارخانه میرفت تا کارگران را برای مبارزه

خلق ها و مسئله ملی



اخباری از کردستان، سرزمین حماسه ها

تتفرع عمیق خلق کرد از سازمان چریکهای فدایی (اکثریت)

بوکان ۵۹/۸/۸

رویز یونیستهای سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) اکنون بیعتوان حاش و خاش و حاش و حاشی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از طرف خلق کرد افشا و طرد میگردد. توده های زحمتکش ما آنها را طرد میکنند، زیرا آنان پشت به انقلاب کرده و به نوکری بورژوازی تبدیل شده اند خلق ما آنها را طرد میکند، زیرا آنان با دشمن خلق پیمان بسته و به خیانت آشکار در غلغله افتاده اند. خبری که ملاحظه میکنید مربوط به عکس العمل مردم بوکان در مقابل این خائنین می باشد.

روز پنجشنبه ۵۹/۸/۸ عده زیادی از مردم بوکان در طرف دفتر سازمان چریکهای (اکثریت) جمع شده و ضمن دادن شعارهایی علیه سازمان چریکها (اکثریت) با سنگ به دفتر این سازمان حمله کردند. مردم از خبا نتهای این سازمان بویژه بعد از اینکه اطلاع یافته بودند که سازمان چریکها سلاحهای خود را از شهر خارج میکند، بشدت خشمگین بودند. آنان می دانستند که این اقدام اکثریت بخاطر سالی است که این سازمان با رژیم نجادهاست مردم خشمگین در مقابل دفتر به شعار دادن و پرتاب سنگ پرداختند ولی بتدریج شعار پرتاب سنگ از طرف جمعیت به حمله به دفتر تبدیل شد. زحمتکشان بوکان پس از آشنایی آوردن تا بلوغ دفتر روئینستها به ساختمان دفتر حمله کردند و تمام محتویات آنرا از پنجره به بیرون پرتاب کردند و بدین گونه به خیانت این دارودسته به انقلاب و خلق کرد پایان دادند.

فشار و خفقان بعد از کشتار

مهاباد

طبق اخبار رسیده در تاریخ ۵۹/۷/۳۰ برای ۴۶۰ جسد جوانان ما در شده است بخش اعظم این عده در تنگ چو حشیا نه روزهای قبل رژیم به شهادت رسیده اند خا نه های شهر، بوسیله توپ و خمپاره رژیم جمهوری اسلامی به ویرانه های تبدیل شده اند. وضع شهر از نظر اقتصادی فوق العاده بد است و شهر تقریباً فلج شده است قیمت اجناس به چند برابر افزایش یافته است تا چند روز قبل،

جنبش خلق کرد، جنگ ایران و عراق و منادیان صلح در کردستان

سیاست رژیم در قبال کردستان: محاصره و سرکوب

نبوده و هر روز طی تظاهرات و اعتراضات گسترده مبارزات خود را علیه رژیم مستعمر کرا کم به پیش میبرند.

بعلاوه جنگ ارتجاعی ایران و عراق مستمسکی شده تا رژیم با اتکاء به آن تنها جم خود را بیدار بکشد و جنبش مقاومت خلق کرد افزایش دهد، تقویت دستگا های سرکوب، استخسدام سربازان مؤدور برای ارسال به کردستان، ارسال بخشی از افراد متفق خدمت ۶۶ به کردستان و غیره نشان دهنده تقویت ابزار سرکوب جنبش خلق و بطور مشخص جنبش مقاومت خلق کرد است. اما فیه این تشدید خفقان در سراسر ایران و دستگیری و اعدام انقلابیون کمونیست در شهرهای مختلف، قتل عام بیش از ۲۵۰ نفر و مجروح نمودن حدود ۵۰۰ نفر از مردم زحمتکش مهاباد، تداوم بمباران مناطق مختلف کردستان و از جمله بمباران سردشت در دو هفته اخیر، از جلوه های با رزسیاست سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی می باشد. آری، همه این اقدامات از تلاش ارتجاع جهت سرکوب کامل جنبش مقاومت خلق کرد، حکایت میکنند.

منادیان صلح در کردستان

تضعیف جنبش مقاومت خلق کرد، تضعیف انقلاب توده های زحمتکش ایران است. پشتیبانی نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها از خلق کرد، شرکت فعال آنها در مبارزه با دلا نه خلق کرد و پیوند دادن آن با مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران از شروط اولیه تشدید مبارزه طبقاتی - ملی در سراسر ایران و از جمله در کردستان و هموار کردن راه پیروزی جنبش خلقهای ایران و در نتیجه جنبش مقاومت خلق کرد می باشد. سازش در قداموس این جنبش مفهومی

حرکت رژیم جمهوری اسلامی در اعمال سیاست سرکوب انقلاب، اکنون بواسطه جنگ ایران و عراق در ابعاد گسترده تری در جهت تشدید سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد پیش می رود رژیم با تبلیغات وسیع خود در مورد جنگ ایران و عراق میکوشد تا توجه توده ها را از مسائل مربوط به کردستان منحرف سازد. و با این خیال باطل که در این دوره خلق کرد از حمایت توده های آگاه برخوردار نبوده و در انزوای سیاسی قرار گرفته است، لشکرکشی گسترده ای را به کردستان آغاز کرده است. اکنون فضا رو خفقان در شهرهایی که مزدوران رژیم سلطه خونین خود را در آنجا برقرار کرده اند، پیدا میکنند. علاوه بر محاصره و حملات نظامی، تشدید محاصره اقتصادی نیز از جمله فشارهای ضد انقلابی رژیم برای در تنگنای گذاشتن خلق کرد و ادا نمودن آن به تسلیم می باشد. مزدوران رژیم برای بزانودن آوردن خلق کرد از ارسال مواد غذایی، آرد، پوساک و حتی مواد بهداشتی - که خلق کرد در اثر شکار اخیر رژیم سخت بدین نیاز منداست - جلوگیری میکنند. مواد سوختنی در کردستان کمیاب است و ارتش و پاسداران حتی از انتقال یک حلب نفت و بنزین به برخی از شهرها مناسبت میکنند. نتایج تمام این سیاستها و عملکردهای رژیم، نتوانسته است آتش مبارزات انقلابی و جنگ عادلانه خلق کرد را خاموش کند و دود هرگز هم نخواهد توانست، بی شمگان رزمنده، مبتلا به ارگان اعمال قدرت مسلح خلق کرد، با اتکاء به اقتضای روسی از زحمتکشان شهروستا همچنان به بیکار و مسلحانه خود را رژیم داد می دهند. به موازات نبرد توده های مسلح کرد، زحمتکشان شهرها و روستا ها می که به تسخیر رژیم در آمده اند در پشتیبانی از بی شمگان و در جهت کسب حقوق برحق خود، از اشکال مختلف مبارزه با

بقیه در صفحه ۱۲

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



**با چشم باز
در افق خونین
کردستان**

که در پادگان جای کافی برای پرسنل وجود ندارد (اینجا، در میان جدیدترین و بیسازمان منظره‌های گسترده است که به زیبایی آن کمتر دیده‌ام، دامنه‌ای سرسبز، جنگل انبوه کوه رودخانه‌های در میان آن روان است، برای چند ساعت محو می‌شای آن بودم، ای سها رزیمیای کردستان! چرا! اینچنین به خون آغشته‌ای!

۲۴ اردیبهشت

از صبح سربازان زمین را می‌کنند تا آب فرا هم‌کنند و مستراح بسازند، اوضاع بطور عادی پیش می‌رفت، تا اینکه چند نفر در کوره‌های سردا منته‌کوه، مشا هده شدند، نگهبانان دیده شدن آنها را اطلاع دادند؛ جنودن و بجهت آمدن بودند که در جلوی آنها یک زن جوان برجم سفید درست داشت.

همه دست و پای خود را کم کردند، نگهبانها در سنگرها تما ده شدند، شلفن‌ها بکا رافتند و خبر در تما مپادگان پخش شد، درجه‌داری پشت سر هم میگفت: رکیا بر رویان با زکندید! عجا چند زن و مرد کودک تما مپادگان را به وحشت انداخته بودند، بیش از نیمی از را را بیموده بودند که ما شین ارتشی آنها را دستگیر کرد و به پادگان برد.

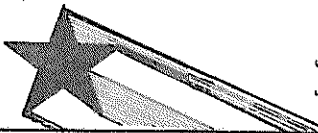
به حرفهای درجه‌دار فکر میکنم که چقدر کشتار مردم ما شده!

۲۶ اردیبهشت

اعلام شده است که ارتش پیشمرگه‌ها کم شده و هلیکوپترها آنها را نترسیتوانند در پناه فرود آیند، از این رو چند دسته آنها در حرکت شدند و به میدان پرواز رفتند، اما مثل روز قبل دست از پادگان نبره‌آسا یشگاه برگشتند.

خیراً مده است که یک گردان تانک کسه از زنجان و قزوین حرکت کرده اند، بطرف سقز می‌آیند، آنها بصورت تاکتیکی حرکت میکنند، درست مثل جنگ با یک کشور دیگر، از کوبیدن هیچ ساختمان و ویران کردن دهات ابائشی ندارند و اگر لازم پیدا شد آنها را با خاک یکسان میکنند تا چند روز دیگر به اینجا خواهند رسید، چه قوای برای سرکوب بسیج شده است!

(ادامه دارد)



**خاطرات يك سرباز (۱۱)
نیروی خلق بی پایان است**

۲۱ اردیبهشت

امروز هم مثل روز قبل به صحرای رتیم - آموزش نظامی ببینیم، همواره در راحت با شهاب بر علیه کردها میباریم، به آنها فحش می‌دهند، تنبیل و ترسو خا نشان میکنند، تمام اینها برای تشدید حوضه کردی و در عین حال ریختن ترس خودشان انجام میگیرد.

ظهر پادگان بازمیگردیم، جنب و جوش عجیبی مشاهده میشود، هلیکوپترها با سربازان به حرکت در می‌آیند و بعد از دقایقی با زخمی‌ها و در حالی که هلیکوپترها بر سر کلوله، سوراخ، سوراخ شده اند بازمیگردند، اینطور که معلوم است، هلیکوپترها در پناه در به فرود آمدن نیستند و سربازانی را که حمل میکنند در فاصله یک کیلومتری بیابان می‌کنند و سرعت دور می‌شوند، گویا هنوز قله در دست پیشمرگه‌هاست، در پادگان میگویند: اگر قله را بگیریم، اگر همه بلندیهای کردستان را ارتش بگیرد، مسئله حل است.

یکسال است که نیروهای مسلح رژیم، ارتش و پاسداران سعی میکنند، با صلاح خودشان کردستان را تصرف کرده و مسئله را حل کنند، پس چرا بیروزش می‌شوند؟ مگر نه اینکه قدرت ارتش خیلی زیاد است؟! اکنون ارتش در منطقه کلافسه شده اما شینها نبوده‌اند، هلیکوپترها سقوط میکنند، مهاجمت‌ها می‌شود و هزینه جنگ سرسام‌آور است، پس چگونه است که کردها بدون اینکه هوا بیما و فاش شوند با شتاب، ارتش و پاسداران را اینگونه بی‌شودرا کرده اند؟

آیا جز این است که در کردستان خلق می‌جنگد و نیروی خلق بی پایان است؟! و بعد از هر شکستی دوا ره بر می‌خیزد و می‌جنگد، به مبارزه خود ایمان دارد و از این نیروها تمامان می‌جنگد و نیرویش دهها برابر میشود.

۲۲ اردیبهشت

امروز هم به تفریح مسخره رزمی ادامه دادیم، امروز هم در راحت با شما، بر ضد مردم کردستان میباریم، میگفتند: کمونیستها هستند که آنها را خراب کرده اند، اینها تنبیل هستند و دست بکار تمیز نیستند، این حرفها مرتباً تکرار میشود، مدام گفته میشود تا کاملاً در مغز سربازان بیفتد و آنها را از بی "اعتنائی" بدر آورد!

۲۳ اردیبهشت

امروز در خارج از پادگان مستقر شده ایم به خانه‌های نیمه‌کاره‌ای که برای پرسنل ارتش ساخته بودند (زیرا فرما شده گروهان معتقد است

خانه‌های شهرها با دیکی بروی مسافری - بسته شده بود، ارتجاع می‌کوشد با سربازان توده - ها و محاصره اقتصادی خلق دلاور کرد را تسلیم نماید اما مطمئن باشد رحمتگشان تا کسب پیروزی از پانمی نشینند.

**جلوگیری از انتقال آرد و بنزین
به شهر توسط پاسداران**

اشنویه

اهالی اشنویه تحت محاصره اقتصادی شدید از جانب رژیم قرار دارند، سخت و آذوقه بسیار کمیاب است، بطوریکه قیمت یک حلب نفت به ۱۵۰ تومان رسیده است، درگاه اشنویه - رضائیه، مزدوران رژیم ضمن با زرسی ما شینها از انتقال بنزین و آرد به شهر جلوگیری میکنند.

تلاش رژیم برای ایجاد برادر کشی

نقد

رژیم جمهوری اسلامی برای ایجاد تفرقه و برادر کشی بین کردها و ترکهای این شهر، سه کردها مواد سوختی نمیدهد، با توجه به اینکه مواد سوختی واجناس در شهر به وفور یافت می‌شود مزدوران رژیم ما یحتاج زندگی را تنها به اهالی ترک زبان این شهر تحویل می‌دهند

پاسخ به بعضیها یا حمله به خلق کرد؟!!

پیرانشهر

در هفته گذشته نیروهای عراقی مستقر در مرز پادگان پیرانشهر را توسط توپهای دور زن مورد حمله قرار داده و خسارات زیادی به شهر وارد آوردند، نیروهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی نیز پادگان را بطور نسبی تخلیه کرده و در اطراف شهر مستقر گردیدند، آنها به تلافی حمله به شینها شهر پیرانشهر را مورد حمله وحشیانه قرار داده و تعداد زیادی از مردم شهر را کشته و زخمی نموده و خانه‌های زیادی را ویران کردند اکنون مردم مجبور به ترک شهر شده و در مناطق اطراف شهر و روستاها آواره شده‌اند.

**مزدوران رژیم زیر حملات
پیشمرگان انقلابی کومله و پیکار**

کامیاران ۵۹/۷/۲۱

در ساعت ۵ بعد از ظهر این روز ارتشیان و پاسداران وجا شها از گردنه "دولاب" و "قلعه مد - والان" سوی روستای "سرجی" حمله کردند و لولی با مقاومت پیشمرگان کومله و پیکار که در کوههای

"افزایش تولید" در جنگ ارتجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار

۱- رویزیونیستها:

بورژوازی در پیشبرد تهاجمی این اهداف ضد خلقی خود، مشاطه گرانی چون رویزیونیستها را در کنار خویش دارد. رویزیونیستها، این خائنین به طبقه کارگر، برای برآوردن منافعی سرمایه داران نیش از همه "جوش و جلا" زده و بر استی "کاسه دغا ز آتش" شده اند! آنها با سوء استفاده از ناآگاهی و احساسات میهن پرستانه کارگران دفاع از "میهن سرمایه داران" را تبلیغ میکنند و بدینوسیله سعی دارند تا همگام با بورژوازی، انرژی انقلابی کارگران و زحمتکشان را هرز برده و سمب موارزات انقلابی توده ها را از مسیر اصلی شان منحرف گردانند.

در این میان علاوه بر حزب توده، "ایمن کارگزار رگنه کار" روسیال امپریالیسم شوروی که مدتی است به تظهير رژیم و دفاع از سرمایه داران پرداخته است و در کنار رهتای ارتجاعی اش حزب رنجبران، کارگران و زحمتکشان و وطنمان را بدکار روتولیدید بیشتر برای سرمایه داران فاسد میخواند، قدامتپان (اکثریت) این رویزیونیستهای نوبی - نیز از هم مسلکان خود عقب نمانده و با دلسوزی فراوان برای سرمایه داران از "به خاطر افتادن امرتولید"، کارگران را بر حذر میدارند. (کار سراسری ۸۰ صفحه ۲۱). آنها با آب و تاب فراوان نمونه های مختلفی را مثال میزنند و طی آن کارگران را تشویق میکنند که "روزهای پنجشنبه و جمعه را نیز بدکار بپردازند" یا آنکه با وظایف ۴ ساعت اضافه کار کنند" (همانجا).

جنگی که سرمایه داران و رژیمهای حامیان بر علیه میاندازند، هدفی جز تاسمین منافع غارتگرانه ندانند. جنگ کثونی که بین رژیمهای ایران و عراق در گرفته است، جنگی است ارتجاعی و علیه منافع زحمتکشان دو کشور. این جنگ زمینهای برای طبقه سرمایه دار بوجود آورده است که به بهانه جنگ، به فریب کارگران و دامن زدن به احساسات میهن پرستانه آنها پرداخته و بر شدت فشار و استتار کارگران بیافزایند. سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی با بوق و کرنا سخن از "ضرورت افزایش کار روتولید" میکوبند و آنرا وظیفه "مذهبی" و "ملی و انقلابی" کارگران و زحمتکشان بحساب میاورند، در حالی که افزایش تولید در این شرایط نتیجه ای جز افزایش فقر و فلاکت توده ها و پیر شدن جیب سرمایه داران، ندارد.

محیط خفقان و رعب و وحشتی که رژیم جمهوری اسلامی در شهرها و روستاهای ایسران ایجاد کرده، در کارخانجات نیز برقرار است. هر اعتراضی که از جانب کارگران بداجا فسات سرمایه داران و رژیم شود، به بهانه جنگ و تحت پوشش "توطئه ضد انقلاب سرکوب میشود. بعنوان نمونه، با بدبیم موج گسترده اعتراضی کارگران قبل از شروع جنگ نسبت به قطع سودویزه اشاره کرد. که اینک تحت الشعاع جنگ واقع شده است و رژیم میکوشد تا از بر خاستن دوباره این موج اعتراضی بشدت جلوگیری نماید.

چه کسانی آب به آسیاب رژیم می ریزند؟

بقیه از صفحه ۳ اخراج...

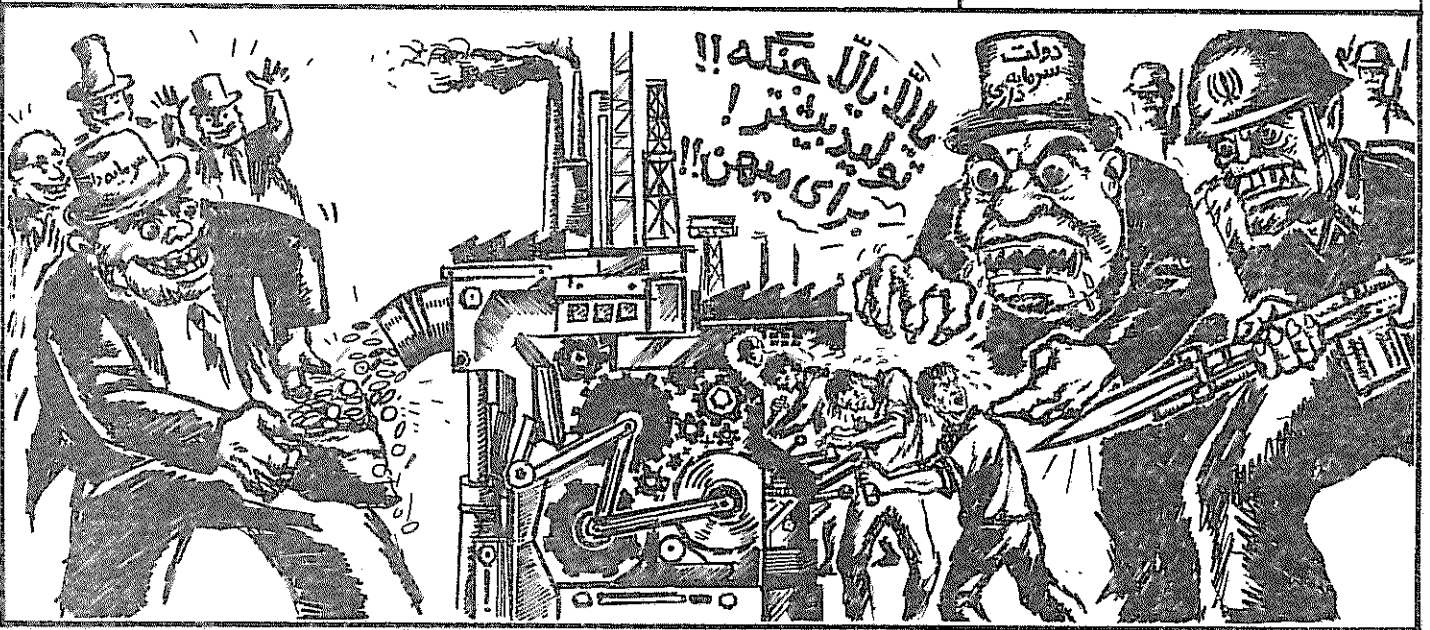
۳۵۵-۳۵۰ نفر از کارگران را که بیشتر آنها لسی صومعه سرا هستند اخراج کند. مهندس مقودی به آنها گفته: اگر بخواد هیدا اعتراض کنید، شما را به سپاه پاسداران معرفی میکنم، ضمانت قرار شده که تا دو ماه دیگر این کارگران تمفیه حساب کند. در جنگ میان سرمایه داران کارگران کشته میشوند، بی خانمان میشوند، خانه ها پیشان بمباران میشوند، دستمزدها پیشان کاهش پیدا میکنند، تولید را بیشتر میکنند و دست آخر هم این کارگران هستند که اخراج میشوند. یعنی...

"خیرات" جنگ در کارخانه سپید رود

به کارگران سپید رود که اکثر آنها هر یک ۱۱۲ ساعت اضافه کاری دارند، دستمزدها اضافه کاری - ها پیشان را نپرداختند. به همین دلیل آنها با سه میثی بوس بد دفتر مرکزی کارخانه رفتند و خواهان گرفتن اضافه کاریها پیشان میشوند. مدیر عامل ضد کارگر میگوید: بخاطر اینکه مملکت در حال جنگ است، نمی توانیم به شما اضافه کاریها را بپردازیم و ببخشناهای هم از طرف استانداری که اضافه کاریها و کلیه مزایا با بد قطع شود.

له نشدن یک کارگر، باز هم جنایت سرمایه!

در تاریخ چهارشنبه ۸/۷ در کارخانه کج جیل واقع در دوراهی دماوند (۲ تا ۳ کیلومتری رودهن) بقیه در صفحه ۸



اخراج دو تن از تعمیرکاران ماشین سازی اراک محکوم است!

را براحتی انجام دهند، پرداخت میشود. فروتن ضدگراگر چون در جهت منافع سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی حرکت میکند، کارگران را بجرم کمکاری و سستی در انجام وظیفه تحویل دادگاه انقلاب اسلامی داده است و حتی این دادگاه آنها را محکوم خواهد کرد، زیرا این دادگاهها از منافع سرمایه داران حمایت میکنند.

جندی قبل فروتن این مدیرعامل فدکاگر دو تن از تعمیرکاران دیگر را اخراج میکند چرا این دو کارگر تسلیم نمودن آنها در مقابل ندادن حق سرویس و مزایای دیگر است. این عمل را مدیرعامل فدکاگر در حالی انجام میدهد که از طرف کارخانه ماهانه ۳۰۰۰۰ تومان به "بوف" کارکنان آلمانی که هیچگاه رهاست و کارکنان ماشین سازی اراک میتوانند کار او

بقیه از صفحه ۷ له شدن... کارگری بنا به امر مابعد از سیاه رفتن و بلعیده میشود و صورت گوشت له شده ای بیرون میاید. وقتی برادرش عمران خیر زیر آسیاب رفتن برادر خود (بهرام) را می شنود، از شدت ناراحتی دجا رشوک میشود.

اخراج وزندانی کردن کارگران تراکتور سازی تبریز به جرم ایجاد شورش است "هولر"!

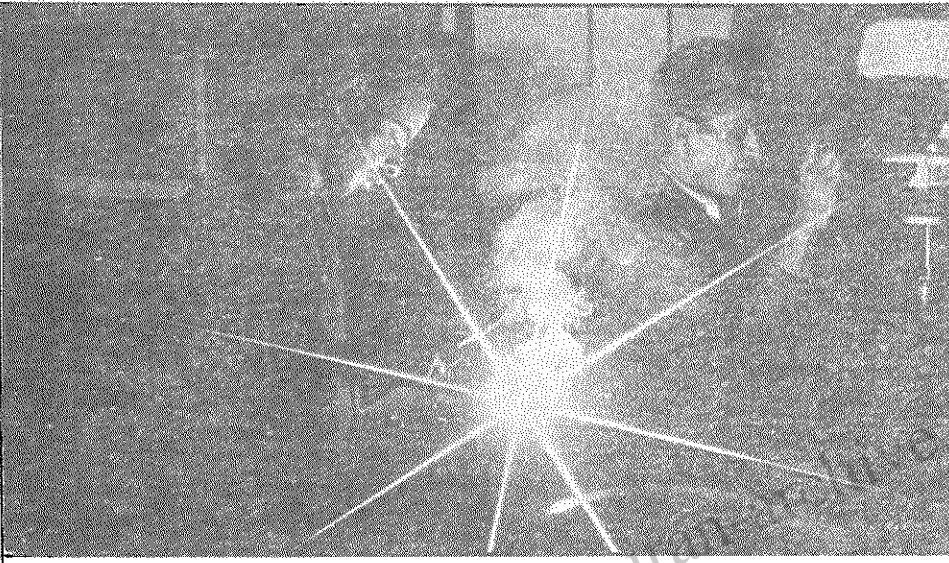
روز پنجشنبه ۵۹/۸/۸ هیات سرپرستی جدید کارخانه تراکتور سازی یکی از مهندسين را به عنوان سرپرست قسمت خط هولر تعیین میکنند. کارگران که تاکنون قسمت را بصورت شورائی اداره میکردند به این انتخاب اعتراض میکنند و در برابر توجیه های نفیسی نماینده استانداری مستقر در کارخانه تسلیم نشده و کار نمیکنند و نفیسی با تلفن از دادگاه انقلاب اسلامی پاسدار آورده و تمامی کارگران قسمت (۳۴ نفر) را با ماشین به دادگاه میبرند. مابعد کمیودجا، متروح گزارش را در شما رده بعد چاپ میکنیم.

بازپوش: تصحیح خبر

در پیکار شما ره ۲۶، صفحه جنبش کارگری اشتباهاتی رخ داده بود که بدین وسیله تصحیح میشود:

۱- در گزارش مربوط به "اخراج کارگران مبارز تولیدی زمین تریکو"، نوشته بودیم: "در این مدت ما دقتی که برادرش در کمیته ۲ گذاشته است... که تصحیح آن چنین است: "ما دقتی که برادرش در کمیته ۲ یا کمیته گیناست...". ۲- در قسمت یا بین نوشته ایم که: "... یکی از کارگران را به کمیته برده و از بازجویی بکنند" که تصحیح آن این بوده است که کمیته از کسی بازجویی نکرده است.

در شرایطی که به بیانه جلوگیری از "تایعه - پراکنی عدا انقلاب"، جوی جلوی صحت کردن کارگران با یکدیگر را میگیرند، در شرایطی که کوچکترین اعتراضی کارگران را بر علیه اجافات سرمایه داران تحت عنوان "توطئه ضد انقلاب" سرکوب میکنند، در شرایطی که گران و نایابی اجناس بطرز وحشتناکی کارکنان و زحمتکشان را تحت فشار قرار داده است در شرایطی که با کوچکترین بیانه کارگران را اخراج می کنند... فدائیان (اکثریت)، آگاهانه چشم خود را برتصامی اینها بسته اند و ما خواهان



۸۲ صفحه ۱۷ تاکیدها از ماست. راستی "افزایش با زدهی" تولید در شرایط کنونی چه معنایی جز افزایش شدت استثمار و سودآوری برای سرمایه داران از طرفی و افزایش فقر و فلاکت برای کارگران از طرف دیگر، دارد؟ چه کسانی بجز میریالیستها و وابستگان از "افزایش بازدهی کار" سود میبرند؟ رویزیونیستهای "اکثریت" از کدام "جبهه انقلاب" نام میبرند که خواهان "استوارتر" ساختن "استحکامات آن هستند؟ جبهه انقلابی که کارگران و زحمتکشان و سایر توده ها بر راه انداخته اند و تا بیروزی آنها را ادامه اش خواهد داد، با جبهه انقلابی که رژیم جمهوری اسلامی مدعی به انجام رساندن آن است؟ کدما میک؟ اعمال و گفتار "فدائیان اکثریت" حکم بر آن دارند که اینان را با انقلاب توده ها کاری نیست. آنها با تبلیغ شعار "افزایش کار و تولید" در مدد به انحراف کشاندن مبارزات کارگران و زحمتکشان بوده و آنان را به سازش با بورژوازی دعوت میکنند، کاری که نتیجه اش تنها تشبیت پایه های حکومت فدکاگر و طبقه سرمایه داران است.

"کار و تولید بیشتر" کارگران میگردند. روشن است که وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و کمونیست، حمایت از کارگران و زحمتکشان و افشای جنگ ارتجاعی کنونی و فشارهای سرمایه داران و رژیم بر توده ها است اما در همین زمان بنا بر ما هیتنان، رویزیونیستهای "اکثریت" همگام و همدا با بنی مدرها و بیستیها و حزب توده و کلیه دشمنان طبقه کارگر در وحشت از "به خاطر افشادن امر تولید" (و در حقیقت در وحشت از سه مخاطره افشادن منافع بورژوازی) فریاد "افزایش کار و تولید" را سر میدهند. اینان که رژیم جمهوری اسلامی را "ملی و فدا میریالیست" قلمداد میکنند و کارگران و زحمتکشان را بدفاع از آن دعوت می نمایند، در واقع در گوشت دم توب ساختن توده ها و فریبنا، با بورژوازی سهم دارند. اینان وظیفه دارند تا تمام جناحیات رژیم را برده بوشی نمایند.

درجائی دیگر "کار رویزیونیستی" کارگران را به انجام "کار و تلاش" شبانه روزی در سنگسرها و کارخانه ها افزایش با زدهی تولید در هر واحد" فرا میخواند و توده ها را میهد که کارگران "در عرصه تولید نیز با افزایش با زدهی کار، استحکامات جبهه انقلاب را استوارتر میکنند" (کار سراسری

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

(قسمت نهم)

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

رفیق روحانی: قبلا برای شما توضیح دادم که در ملاقات های من و آیت الله قبل از هر چیزی کوشیدم تا ریحانه تشکیل سازمان، ایدئولوژی و مباحث سیاسی و فعالیت های سازمان را برای آیت الله توضیح دهم، و برای آنکه بحث های ما همجا نباشد، برخی از نشریات درونسی سازمان را نیز که در آن زمان در اختیار داشتیم برای مطالعه آیت الله دادیم.

میگذاشتیم. و از همین روجه رفیق تراب و چه من و چه از طریق عناصری چون آقای دعا علی که در تماس با آیت الله بودند، میکوشیدیم تا نامبرده در جریان فعال مسائل و رخداد های ایران قرار گیرد.

هر جنبشی ضعیف است و در برابر رژیم و قسدرت سیاسی حاکم، جنبه فرعی تفا در تشکیل میدهد، ولی اگر به نیازهای جنبش، پاسخ شایسته داده شود، بتدریج و با شرکت بیشتر مردم در مبارزه جنبش رشد میکند و تا آنجا به پیش می رود که بساط ظلم و ستم دشمن را درهم می شکند. شاید برای شما تعجب آور باشد که من برای اثبات حقا نیست گفته ها به آیات مختلف قرآن و خطبات نهج البلاغه و نمونه های عملی در تاریخ اسلام استناد میکردم و آیت الله را به آنها مراجعه میدادم. لیکن مساله، مساله معرفتی نبود که

پس از توضیحات مفصل من و مطالعه کتاب "امام حسین" توسط آیت الله، مسائل مختلفی مورد بحث ما قرار گرفت که من سعی میکنم نکات برجسته آن را بطور خلاصه در اینجا ذکر کنم.

اما واقعیت این نبود، هر چند که آقا همی نسبت به مسائل و رخداد های ایران برای هر فردی از جمله آیت الله خمینی که در خارج از ایران بود، میتوانست در حرکت او متوجه شود، ولی مساله اساسی این بود که این تا نیر گذاری و این حرکت و جهت آن را تسلط تام و تمام و

از جمله مسائلی که بین آیت الله و من مورد بحث قرار گرفت، موضوعی آیت الله در قبال شرایط جامعه، شبهه مبارزه و نقش توده ها در انقلاب بود. آیت الله در خلال بحث پیرامون خط منی و مواضع سیاسی سازمان اظهار داشت: "مردم آمدگی برای مبارزه ندارند و کاری نمیشود کرد، مسئله ظهور یگری بود و همیشه روی پیشرفت کسب حساب کرد، ولی آن دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید."

آیت الله در خلال بحث پیرامون خط منی و مواضع سیاسی سازمان اظهار داشت: مردم آمدگی برای مبارزه ندارند و کاری نمیشود کرد و آقایان هم نمی توانند کاری انجام دهند. اگر واقعا میریاشا هستی (!) به کمک میکند، مسئله ظهور یگری بود و همیشه روی پیشرفت کسب حساب کرد، ولی آن دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید.

برای آیت الله قبل از هر چیز "ظلم" و "فصل" و "گمراهی" و "تجارت محترم" مطرح بودند و پس از آن کسبه و اصناف و دانشگایان و دست آخرد هقان و کارگران بیچاره را و در مواردی هم این "بیچارگان" از قلم می افتادند و محلی از اعراب نبودند!

در توضیح این مساله ابتدا من در باره وضعیت اجتماعی و معیشتی مردم و میزان نا رضایتی آنها چه در شهر و چه در روستا مطالعه کردم و سپس نمونه های زیادی از حرکت های اعتراضی مردم نظیر تظاهرات مردم تهران در چهارم چهران پهلوان تختی در سال ۴۶، تظاهرات ضد میهنیست در هنگام مسابقات ورزشی ایران و اسرائیل در سال ۴۸، جنبش کسرتارده اعتراضی علیه گمران شدن بلیط اتوبوس در اسفند ماه ۴۸، اعتصاب کارگران جهان جیت و کشتار آنها توسط رژیم در سال ۵۵ و مقاومت و ایستادگی حماسه آیدر دهقانان روستای "دوتیه" زنجان در مقابل فشار و ظلم و ستم فئودالیها، اعتصابات و تظاهرات دانشجویان دانشگاه، تشکیل گروه های انقلابی و روی آوردن تشروسی از روشنفکران انقلابی به مبارزه علیه رژیم شاه، دستگیری های وسیع و پیر شدن زندانها از جوانان مبارزان انقلابی، محکومیت و اعدام زندگان و حماسه آفرینی های زندانیان تحت شکنجه و... را برای آیت الله یادآوردم و تا کید کردم که در اینجا وظیفه و نقش عنصر آگاه است که به آگاهی و سازماندهی توده ها بپردازد و برای اطلاع آیت الله به تشریح و توضیح مبارزات و انقلابی که در چین، ویتنام، الجزایر، کوبا و فلسطین صورت گرفته و میگیرند برداختم و گفتم که چگونه در این کشورها نیروهای انقلابی با اتکاء به مردم و با نیرو و امکانات محدودی که در دست مردم اختار داشتند مبارزه با امپریالیست های جهانخوا را بر خاستند و در این راه با پیروز شدند و با پیروزی خود همچنان به مبارزه سرسختانه شان ادامه میدهند. در ابتدا

لازم باشد من در این باره به بحث با آیت الله بنشینم، مساله، مساله طبقاتی بود. آنچه را که من برای آیت الله مطرح میکردم میتوانست نسبت برای یک کارگرویک عنصر زحمتکش و بیایسک روشنفکر انقلابی، بسیار قابل فهم باشد، چرا که او بنا بر ما هیت طبقاتی و ظلم و ستمی که بر او رفتند است، گفته های مرا با تمام وجود احساس میکند و با افزایش آگاهی اش به درک اصولی و همه جانبه ای نسبت به آن ناائل میشود. اما آیت الله که در آن زمان اساسا قشر خرده بورژوازی مرفه سنتی را نمایندگی میکرد، از زاویه منافع و خواسته های این قشر با مسائل برخورد میکرد و برای او آنچه که اهمیت داشت، حرکت اعتراضی یا زار و روجا نیست بود و چیزی دیگر توجهی نداشت.

در یکی از همین جلسات، آیت الله به من گفت: شما از آمدگی و مبارزه مردم صحبت می کنید، در حالیکه روحانیت ما هنوز حرکت نکرده است و حتی به درک درستی از اسلام و حکومت اسلامی نرسیده است و در میان آنها هنوز کشتی نتوانسته است تحلیل کاملی از انگیزه قیام امام حسین را ارائه دهد (بد نیست بدانید که این مطلب را آیت الله پس از مطالعه کتاب امام حسین که توسط سازمان تهیه شده بود من به او داده بودم) اظهار میکند (البته در آن روز ما این نحوه برداشت آیت الله را از مسائل اجتماعی و مبارزات مردم، تا اندازه نسبتا زیادی بحساب دوری وی از شرایط ایران و بیسایس متاثر بودن از اخبار و گزارشات محدودی که توسط برخی از تجار و بازاریان ایرانی به او داده میشد

واقعا میری یا شاهی به ما کمک میکرد، مساله طور دیگری بود و میشد روی بیشترت کار حساب کرد ولی الان دست ما خالی است و کاری از ما بر نمی آید. جالب این است که آیت الله تومیه اش به ما که برای جلب کمک و همراهی او نه بخود، بلکه به انقلاب ایران نزدیکتر بودیم، این بود که شما هم کاری از پیش نخواهید برد و در سخنرانی اخیرش (۴ تیرماه) هم با صراحت بیشتری به این مساله اشاره کرد و گفت من به اینها گفتم که "بخود خودتان را مبادندید".

آخرین حرفی که آیت الله به صراحت به من گفت این بود: **آقا این مطلب را پیش خودتان داشته باشید!** (۱). واقع امر این است که من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم.

در بدو امر ممکن است تصور شود که منظور آیت الله از این گفته که "من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم"، جنبه تاکتیکی مساله باشد یعنی اینکه آیت الله مثلا بدلیل عدم آمادگی مردم برای پذیرفتن این مبارزه که عالیترین شکل مبارزه است، در آن شرایط آن را نفی میکنند و بدان اعتقادی ندارند و این به معنی نفی ضرورت مبارزه مسلحانه برای کسب قدرت سیاسی نباشد.

روشن است که اگر منظور آیت الله از این گفته، چنین چیزی بوده باشد (که نمیتوانست باشد)، این حرف که بلاجاشی بود، چرا که منی ما آن روز بدلیل ویژگی ایدئولوژی و اعتقادات مذهبی ما، یک منی خرد بورژوازی بود که میخواست قهرا انقلابی و مبارزه مسلحانه را در شرایطی در دستور کار قرار دهد که توده ها هنوز آمادگی پذیرش آنرا نداشتند و مبارزات آنها در سطح یا ششتری قرار داشت و از اینرو منی ما یک منی آوانتوریستی جدا از توده بود که بیهیچوجه قادر به هدایت مبارزه طبقاتی توده ها نمی توانست باشد. اما من با دیدن با طبیعت شما بگویم که چنین تصور برداشتی در مورد اعتقاد آیت الله نسبت به مبارزه مسلحانه بیهیچوجه درست نیست. این گفته آیت الله که "من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم" نه از جهت تاکتیکی و نه از زاویه عدم آمادگی توده ها برای درگیر شدن در چنین سطحی از مبارزه، بلکه مشخصا از زاویه عدم اعتقاد به ضرورت قهر مسلحانه برای کسب قدرت سیاسی است و این، دلایل فراوانی دارد که من سعی میکنم در اینجا به جنبه های آن اشاره کنم.

قبل از هر چیزی باید گفت که اعتقاد به شکل مبارزه هیچگاه جدا از مضمون مبارزه طبقاتی و هدفی که مبارزه بخاطر آن صورت میگیرد نیست. بعنوان مثال رویزیونیستها و از جمله حزب توده را در نظر بگیرید. آنها با تجدید نظر در اصول مارکسیسم و نفی دیکتاتور پرولتاریا و تبلیغ آشتی طبقاتی و یا پذیرش راه رشد غیر سرمایه داری و... طبیعی است که قهرا انقلابی را هم نفی کنند و بجای آن روی مبارزه مسالمت آمیز تکنیک

کرده و آن را تبلیغ نمایند. و یا مثلا لیبرالها را در نظر بگیرید. آنها که در زمان شاه در مسدد سازش و بندوبست با رژیم وای و میریالیستها بودند و میگفتند "شاه با بدسلطنت کند و نشد حکومت" و مبارزه شان هیچگاه نه برای تامین خواسته های مردم (که نمی توانست باشد) بلکه برای بدست آوردن سهم بیشتری از غارت و استعمار کارگران و زحمتکشان بود، طبیعی است که برای رسیدن به چنین هدفی، با رلمانتاریسم و سبوه های اصلاح طلبانه و مسالمت آمیز مبارزه را

شماره رسوخ شده ها و قیام مسلحانه، شمار مسدد در برابر کلونله را میداد. و تا آخرین لحظه هم از دستور چها د خود داری کرد.

اگر در سال ۵۰ و در زمان ملاقات من با آیت الله، شرایط برای مبارزه مسلحانه با رژیم آماده نبود، نیمه دوم سال ۵۷ این شرایط وجود داشت و اگر می بینید که آیت الله خمینی حتی در شرایط اوج جنبش توده ای و موقعیت انقلابی، از دست زدن به سلاح و مبارزه مسلحانه مردم در برابر ارتش سر تا یا مسلح آمریکا شای

آخرین حرفی که آیت الله به صراحت به من گفت این بود: آقا این مطلب را پیش خودتان داشته باشید! (۱). واقع امر اینست که من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم.

در شرایطی که زحمتکشان و توده های خلق ما گروه گروه در سراسر ایران توسط ارتش آمریکا شاهی شاه کشتار میشدند، آیت الله خمینی این ارتش را برادر مردم خطاب میکرد و از مسلح شدن مردم در مقابل آن جلوگیری مینمود و بجای شمارتسلیح توده ها و قیام مسلحانه، شمارتسلح در برابر گلوله را میداد و تا آخرین لحظه هم از دستور چها د خود داری کرد.

با رژیم شاه در پس بکیرند. دعوی آنها با رژیم شاه دوام میریالیستها دعوی دلدادگان بود و دعوی دلدادگان هم که نیاز به سلاح و قهر مسلحانه ندارد!

اکنون آیت الله خمینی را در نظر بگیرید. هر چند که موضع آیت الله با موضع لیبرالها تفاوت داشت و آنها را میان او و قساری که آنها را نماندگی میکرد با رژیم شاه و میریالیسم تنها دو وجود داشت و در همین رابطه به یکسری حرکتیهای اعتراضی بر علیه رژیم شاه و میریالیسم آمریکا از سال ۴۱ به اینطرف داشتند. ولی تا مدتها و تا همین او را خردوران رژیم شاه هیچگاه هدف سرکونی رژیم شاه را در نظر نداشت و این را شما میتوانید از مضمون و محتوای تمامی اعلامیه ها و خطابه ها و نظقیهای آیت الله در دوران گذشته و از جمله سالهای ۵۷-۴۱ بدست آورید. رفیق تراب در مصاحبه خودش با شما نمونه های برجسته ای از آنها را برای شما منظور مستند توضیح داده است و من دیگر نیازی به تکرار آنها در اینجا نمی بینم.

از اوایل سال ۵۷ به اینطرف هم که آیت الله با تا شریبیری از شرایط اعتلا جنبش و بدست موقعیت انقلابی در ایران به مبارزه خود سر علیه رژیم شاه شدت بیشتری می بخند، و برخلاف لیبرالها خواستارنا بودی سلطنت در ایران میشود، ولی با توجه به موضع طبقاتی او و قسری که آن را نمایندگی میکرد، و با توجه به ماهیت قدرت سیاسی ای که او در صدد ایجاد آن بود، یعنی حکومت اسلامی و حاکمیت ولایت فقیه، هیچگاه حاضر به مبارزه ای جدی و قاطع بر علیه رژیم و ارگانهای آن و از جمله ارتش، این ارگان سرکوب دشمن نبود و شما مردم ما خوب میدانید که در دهه در شرایطی که زحمتکشان و توده های خلق ما گروه گروه در سراسر ایران توسط ارتش آمریکا شاهی شاه کشتار میشدند، آیت الله خمینی این ارتش را برادر مردم خطاب میکرد و از مسلح شدن مردم در مقابل آن جلوگیری مینمود و بجای

شاه شاه ترس دارد، دیگر نمیتوان این گفته او را در سال ۵۰ که "من اعتقادی به مبارزه مسلحانه ندارم" یک برخورد تاکتیکی تلقی کرد. در اینجا باید توضیح این نکته مهم بپردازم که عدم اعتقاد آیت الله به مبارزه مسلحانه به معنی این نیست که در قبال طبقات و سروهای که با آنها تضاد ذاتا کونیستایی (آشتی ناپذیر) دارد، دست به سلاح نمیزد. بالعکس این تاوانمندی مبارزه طبقاتی است که طبقات مناصبا استفاده از اشکال مختلف مبارزه و در راس آن شکل قهر آمیز در برابر یکدیگر به مبارزه بر می خیزند. مبارزه قهر آمیز پرولتاریا و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران با رژیم شاه و متفابلا کشتار ردمتانه و وحشیانه مردم توسط این رژیم با نگره همبستن مساله بود، چرا که در دور برویم همین لیبرالها و آیت الله خمینی که در گذشته هر یک در سطحی از کسرت مبارزه مردم به سازش کنا شدن آن و جلوگیری از تسلیح و مبارزه مسلحانه آنها علیه رژیم شاه جلوگیری کردند و حتی بسازش مسرای حفظ ارتش و سیستم سرمایه داری وابسته، به خلع سلاح توده ها پرداختند، از همان زمان به این طرف در مقابل مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم و فوالت لیت نیروهای انقلابی و کمونیست شدت ایستادگی نمودند و پاسخ آنها را با گلوله و کشتار میدهند. مردم ما هیچگاه لشکرکشی به کردستان و کشتار انقلابیون و خلق قهرمان کرد را که بدستور آیت الله صورت گرفت از یاد نمیرند، مردم ما هیچگاه سخنان سال گذشته آیت الله را در تاسف از اینکه چرا جوبه های دار را در میدانهای بزرگی برای کمونیستها و انقلابیون بیان نکرده است، از یاد نخواهند برد، مردم ما میدانیم که در آندهمین ارتش و سبها سدار - ان مورد حمایت و وجدنا پتپا شای کسبه در کردستان، ترکمن مجرا، خوزستان و سایر مناطق ایران بیان نکرده اند، مردم ما بخوبی شاه

گزارشی از سمینار سرتاسری دانشجویان و دانش آموزان هوادار در خارج از کشور و تشکیل ((اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر))

چندی پیش رفقای دانشجویان و محصلین هوادار سازمان در خارج از کشور سمیناری تشکیل داده و بر اساس تصمیمات آن سازمان خود را تحت نام "اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" بوجود آوردند. رفقای هوادار برای ماکزاشی از سمینار قطعنامه ها و پامهای خود را ارسال داشته اند که ما در اینجا فقط به درج گزارشی از سمینار رویا میمانیم و موفقیت هر چه بیشتر این رفقا را در راه آرمان پرولناریائی آرزو مندیم.

هیات مسئولین موقت موظفند طی حداکثر شش ماه تعداد یک کنگره سرتاسری را ببینند، تا طی این کنگره اساسنامه دائمی تصویب و همچنین هیات مسئولین دائمی انتخاب گردند. به این ترتیب سمینار سرتاسری پس از ۵ روز در ۲۲ سینما مبریا تصویب یک قطعنامه در مورد مبارزات مردم ایران و فرستادن پیامها توسطی به سازمان پیکار، دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار، خانواده شهدا و زندانیان سیاسی با موفقیت در میان شور و سرودهای انقلابی رفقای هوادار به کار خود خاتمه داد.

خوددربی تشکیل سازمانی مطابق با موازین سیاسی سازمان پیکار برآمدند. بدین منظور و برای تحقق بخشیدن به این هدف خود یک سمینار سرتاسری با شرکت هواداران سازمان پیکار در خارج از کشور در شهر ری مینا ایتالیا در ۱۸ سینما مبریکزرا کردید.

در ضمن در طول سمینار پیامهای همبستگی که از طرف "مسئولین اتحادیه دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار سازمان پیکار"، "دانشجویان هوادار سازمان پیکار - هند"، "سازمان دانشجویان عراق در ایتالیا"، "کنفدراسیون دانشجویان ترکیه در خارج (TÖK/ÜD)"، "انجمن های دانشجویان ایرانی در فرانسه، هوادار سازمان جریکهای فدائیی خلق ایران" فرستاده شده بود قرائت گردید.

سمینار با اجرای سرود "ای رفیقان" از طرف کلیه رفقا آغاز گشته و پس از آن پیامهای سازمان پیکار و دانشجویان و دانش آموزان هوادار "سازمان پیکار" که برای سمینار فرستاده شده بود قرائت گردید. پس از آن به منظور اجرای اصل دمکراتیک هیات رئیسه دائمی سمینار متشکل از نمایندگان واحدهای کشوری شرکت کننده انتخاب شدند.

سین به منظور آگاهی و جمع بندی از اوضاع هواداران در خارج از کشور کلیه نمایندگان واحدهای شهری گزارشی کوتاه از اوضاع خود ارائه نمودند.

اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "آماه است با پیوستن به "دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار" مرکزی، همچنین با تبلیغ مواضع و فعالیتهای سیاسی سازمان پیکار و مبارزات خلقهای ایران، افکار عمومی جهانی را آگاه سازد.

در طول سمینار دربار مقاله ای از اوضاع ایران که در برگیرنده اوضاع جامعه از انقلاب مشروطیت تا کنون میبود بحث و ستیالاتی مطرح شد که رفقای بحثی خود به سوالات نیز پاسخ دادند.

از دستاوردهای این سمینار تصویب اساسنامه ای موقت مطابق با موازین سیاسی سازمان پیکار بود. تصویب این اساسنامه در ۲۱ سینما مبر مطابق با ۳۰ شهریور ۱۳۵۹ و انتخاب هیات مسئولین موقت که مرکب از سه نفر (مسئول تشکیلات و مالی، مسئول دفاع و بین المللی، مسئول انتشارات، تبلیغات و فرهنگی) میباشند. سازمان مورد نظر تحت نام "اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور - هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" تشکیل شد، که طبق بند ۲ اساسنامه این اتحادیه، "اتحادیه است دانشجویی، سیاسی، مل و توده ای که خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک آن بوسیله سازمان پیکار تدوین میگردد. اجزاء تشکیل دهنده این اتحادیه از طریق کانالهای تشکیلاتی که توسط خود سازمان پیکار ایجاد میشود در بر سه تدوین خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک شرکت دارند. در حالیکه این اتحادیه از نظر تشکیلاتی مستقل میباشد. این اتحادیه در برگیرنده کلیه واحدها و هسته های شهری و کشوری هوادار سازمان پیکار میباشد."

بحران اقتصادی و جنبش روبه اعتلای خلق های ایران و دری آمدن آن بحران سیاسی در سالهای ۵۶ و ۵۷ در نقطه اوج خود در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به شکل قیامی شکوهمند و مسلحانه تجلی نمود. به علت ضعف نیروهای کمونیست و انقلابی و نبود ستاد در زمینه مستقل طبقه کارگر، رهبری این جنبش عظیم را نهیشتان از طبقه کارگر، بلکه خرده بورژوازی مرفهستی بدست گرفته و طبقه کارگر ایران و دیگر زحمتکشان را نیز بدنبال خود کشید. و دری آن قدرت سیاسی توسط این قشر و به همراه بورژوازی لیبرال و با زامندان بورژوازی کمپرادور غیر بورژوازی کرات رژیم سابق غصب شد.

پس از احکامیت رژیم فدرالی جمهوری اسلامی بنا بر ما هیات این رژیم و به علت عدم توانا نشی از حل بحران نه تنها بحران اقتصادی - سیاسی موجود بهبود نیافت، بلکه روز بروز عمق آن افزوده گشت و در نتیجه جنبش خلقهای ایران رو به اعتلای انقلابی نهاد.

روزی نبود که جنبش قهرمانان خلقهای ایران در کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان، بندر انزلی و... سرکوب نگردد. در هر نقطه ای از ایران که صدای اعتراضی بلند میسندیا جمله شیدا رگانهای فدرالی رژیم عم زارتش، زاندارمری و سپاه پاسداران رو برو میکشت.

رژیم جمهوری اسلامی به این نیز اکتفا نکرده سعی در باز پس گرفتن یک به یک دستاوردهای انقلاب از خلق ایران را دارد. دری این برنامه و سیاست رژیم است که مقابله و منتهای دانشجویان انقلابی در کلیه دانشگاهها به خون کشیده میشود و فرزندان دلبیر خلقی اعدا میگردند. در جنبش شرايطی است که وظایفی بس سنگین بسدوش دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی قرار دارد و طبیعی است که مرزهای جغرافیائی نهدی در مقابل مبارزه طبقاتی خواهد بود و نه مانعی برای انجام بخشی از این وظایف توسط دانشجویان و محصلین خارج از کشور.

با آگاهی به این مسئله دانشجویان و محصلین ایرانی هوادار "سازمان پیکار" در خارج از کشور برای انسجام بخشیدن به مبارزات

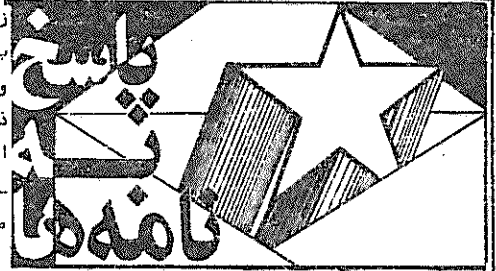
گسترده تر با دیر جم مبارزات خلقهای ایران! مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی! هیات مسئولین موقت اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور هوادار "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

۱۳۵۹/۲/۱

پیام به "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

با دروهای گرم و رفیقانه به شما رفقای انقلابی و کمونیست! سمینار سرتاسری دانشجویان و محصلین هوادار "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" با قرائت پیام شما در میان شور و هیاهوی کار ۵ روزه خود را در شهر ری مینا ایتالیا از ۱۸ بقیه در صفحه ۲۵



چگونه به تبلیغات علیه جنگ بپردازیم

نامه‌های بسیاری بدستمان رسیده است که ضمن برخی انتقادات به نحوه تبلیغ علیه جنگ در "خبرنا مه جنگ"، خواهان توضیح چگونگی تبلیغ در این باره شده اند، ما می‌کوشیم تا در اینجا بطور مختصر به این مسائل پاسخ دهیم:

رفقا! همانطور که در مواضع رسمی سازمان اعلام کردیم، ما این جنگ را جنگی ارتجاعی و غیر عادلانه میدانیم که به زیان کارگران و توده‌های هر دو کشور است. اما نحوه تبلیغ این سیاست در میان توده‌ها و به لایح طبقه کارگر بسیار ظریف و دقیق است، چه از طرفی با پدیدار روحیه‌های باسیفیستی و فرمبستی که از موضع لیبرالی با جنگ مخالفت است و چه با گرایشات آن‌ها رشیستی که به دید رنگ جنگ داخلی را تبلیغ مینماید، مرزبندی شود.

۱- انحراف باسیفیستی - فرمبستی: اگر تبلیغات ما بصورتی باشد که صرفاً فجایع جنگ، خرابی‌ها، ویرانی‌ها، آوارگی‌ها، کشتار و آتش‌سوزیها و... برجسته شده و بجای تکیه روی جنبه طبقاتی جنگ، به نتایج عملی آن توجه شود، با یدگفت که ما در تبلیغات خود دچار انحراف باسیفیستی - فرمبستی شده ایم چنین تبلیغاتی روحیه توده‌ها را دچار خمودگی وستی نموده، شور انقلابی آن‌ها را به ترس و دلهره از جنگ تبدیل می نماید. هرگاه تنها از فجایع جنگ سخن گفته شود، در توده‌ها ترس از خرابی‌ها و ویرانی‌ها، جنگ و خودجنگ و ترس و نومیدی از مبارزه قهرآمیز شدت گرفته و متقابلاً روحیه صلح و آرامش لیبرالی جای آن را میگیرد در شرایط کنونی که توده‌ها از پتانسیل انقلابی و شور مبارزاتی قوی برخوردار هستند، مانع تنها با یداز تبدیل این شور و شوق به خمودگی و ترس و وحشت از جنگ و آثار آن مانع شویم، بلکه با انعکاس با یدبه تهییج توده‌ها بپردازیم به آنها نشان دهیم که عدم شرکت آنها در جنگ نه از زاویه ترس و وا همه از جنگ و با یدفرا از عوارض و آثار آن، بلکه با یداز زاویه ما هیت این جنگ و ارتجاعی بودن آن باشد. وگرنه در یک جنگ عادلانه و انقلابی این پرولتاریا و زحمتکش‌ها هستند که با ید در صف مقدم جبهه برای رهایی خود از زیر سلطه امپریالیسم و ارتجاع قهرمانانه جنگند و در این راه از هیچ فداکاری دریغ نکنند. پرورش روحیه توده‌ها و حفظ رزمندگی آن‌ها و

زنده کردن خاطرات جنگهای انقلابی و آزادی - بخش سرنا سرچیان و باقیامیهمن ما را ببران و بنا بر ذات حماسه آفرین خلق کرد و شرکتکنندگان در ذهن توده‌ها، از وظایف حتمی و روزمره کمیونیتها است و این هنگامی میسر است که ما در افشاگری - های خود علیه جنگ اساساً و عمدتاً بر روی مضمون طبقاتی آن، و نه نتایج آن تکیه کنیم.

۲- انحراف آنارشیستی: با تمام اهمیت که مضمون طبقاتی جنگ برای ما دارد، هرگاه صرفاً روی آن تکیه شود در این رابطه به ذهنیت و درجه آگاهی توده‌ها توجه نشود، یقیناً دچار چپ روی شده ایم. مثلاً همان شعار "تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی" که یک شعار - ترویجی و بیان کننده سیاست استراتژیک ما است، تبلیغ آن در جنبش شرایطی جز از ذهنیت خویش حرکت کردن و بیگ بر خوردنا شیانه و آنارشیستی، محضای دیگری ندارد. چرا که اکنون درجا معما موقعیت انقلابی وجود ندارد و توده‌ها در آن سطح آگاهی قرار ندارند که بخوانند و بتوانند این شعار را به عمل در بیاورند.

در همین جا و قبیل از آنکه بطور مشخص به نحوه تبلیغ علیه این جنگ بپردازیم، با ید در ارتباط با مطالب با یدگوشیم که ما علیه عدم برخورد اصولی با جنگ ایران و عراق و حرکت از ما هیت ارتجاعی آن و عدم شرکت در این جنگ و مرزبندی با نظرات سوسیال شوینیستی و دفاع طلبانه، در نحوه تبلیغ دچار اشتباه روی و چپ روی هر دو شده ایم، چه آنجا که در خبرنا مه جنگ در موازادی بیش از آنکه به جنبه طبقاتی جنگ در اخبار و گزارشات تکیه شود به نتیجه و آثار و مصیبت با آن تکیه شده بود و چه آنجا که در برخی از متون تبلیغی، شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به

جنگ داخلی مطرح شده بود و این تصور را بوجود می آورد که گویا این شعار را در دستور روز توده‌ها قرار داده ایم. اما مضمون و نحوه تبلیغی که با ید علیه جنگ بکار گرفته شود از این نظر است: افشاگری علیه جنگ با یدنوک تیرش افشای ما هیت دور زیم بران و عراق و اهدافشان از این جنگ که منافعالی منافع توده‌ها است باشد، با ید به توده‌ها توضیح داد که بیروزی هر یک از طرفین درگیر در این جنگ به تشبیت حکومت آن‌ها و بندگی بیشتر توده‌ها خواهد انجامید. با ید به توده‌ها نشان داد که جناحهای مختلف رژیم با استفاده از این جنگ می‌کوشند که موقعیت خود را بضرر حریف هر چه بیشتر تقویت کنند. با ید ادعاهای دروغین حکومت را مبتنی بر مبارزه ضد امپریالیستی اش در این جنگ رسوا کرد و نشان داد که تصمیم به آزادی گروگانها تلاشی است برای گرفتن اسلحه و قطعات یدکی از امپریالیسم آمریکا و آغاز روابط گسترده با آنها و نشانهای است از اینکه رژیم هرگز نمی‌خواهد علیه امپریالیسم مبارزه کند. با ید نشان داد که چگونه رژیم با شدت هر چه تمامتر به سرکوب کارگران و زحمتکش‌ها می‌پردازد و چگونه با استفاده از شرایط جنگی، خفگان و تروریست‌ها خود را گسترش داده و عملاً نوعی حکومت نظامی ایجاد کرده است. با ید نشان داد که چگونه رژیم به بیانه جنگ تشکلات صنفی - سیاسی طبقه کارگر را بیش از گذشته نا بود میکند، تولید را افزایش میدهد، کارگران را اخراج میکند، چگونه جنبش خلق کردار و حشیا نه مورد حمله قرار میدهد و به کشتار زنان و مردان و کودکان و محاصره اقتصادی کردستان می پردازد، چگونه فعالیت انقلابیون را محدود تر کرده و به دستگیری و

بسیوی فردای سرخ

من یک مادر هوادار سازمان پیکار هستم که این شعر را به تمام زنان زحمتکش تقدیم میکنم. به امید پیروزی زحمتکش‌ها.

اینک سم توهم همراه با گاهای سمی کارخانه در هم آمیخته است
و کارگران، همه قربانان سرمایه
در جنگی نابرابر
بدنهای خونین و گرسنه‌شان
میهمن سرمایه‌داران را پاس میدارد.
و همچنان جمهوری سرکوب
تا زینهاش را
بر بدن خونین و گرسنه خلقها می تازاند
و همچنان در جمهوری قریب
صف متحد کارگر
جدا، جدا و متفرق، به اعماق جا معده انده میشود
و هنوز هم بچه‌های کوچک خزان
هر روز صبح با آرزوی رفتن به مدرسه

به کارخانه‌ها سرا زیر میشوند.
و هر روز هزاران هزار مردان کار
بیکار و گرسنه در شهر بمرسه میزنند
و آهسته آهسته دیوارهای توهم شهر را
با موشها نشان بلرز در میا ورنند
و همچنان جمهوری توهم، در شهر حکمفرماست
و خفاشان خون آشامش
هر روز با شکمهای آماس کرده
و دستهای پینه‌ای شان
در شهر به گردش میروند
ولی این را معشهای آهنین کارگران،
چشمهای سرخ بچه‌های خزان
این رازنان زجر دیده و قهرمانان
این راخلقهای دلاورمان
بزودی خواهند داشت،
که چگونه دیوارهای قریب و توهم را درهم شکنند
و گام بسیوی فردای سرخ بگذارند،
که جمهوری توهم و سرکوب و فریب
ماندنی نیست.
که حا کمیت سرمایه، جا و دانه نیست.
با شیز ۵۹

رفیق کارگر!

خوبتر است در مورد غنی تر کردن اخبار کارگری نیز، بیش از همه رفقای کارگر کمونیستی مانند تومی یا سنی بکوشند تا نشریه شان بیکار اخبار دقیق تر و ارزنده تری در اختیار داشته باشد و اخبار روگزارشات مبارزات کارگری و وفا یعنی که در کارخانه ها و محلات زحمتکش رخ میدهد برایمان بفرستند.
بها میدی بروزی را همان!

با درودهای گرم رفیقا دست را میفشاریم در مورد کمکیای مالی تو و دیگر زحمتکشان باید بگوئیم، احوالا یک سال زمان کمونیستی با بند اما با بر کمکیای کارگران و زحمتکشان انگار داشته باشد و سازمان مانیز با کمکیای کارگران و زحمتکشان، با درودها تمام وظایف انقلابی

نامه ای از یکت مادر مبارز

سلام من به سازمان پیگار که زحمت زیادی در راه مبارزه با امپریالیسم آمریکا و دولت مرتجع ما کشید سپاسگزارم و امیدوارم که در این راه موفق باشید من مادری هستم با ۳ فرزند، من چندین سواد میخوانم و با آوردن روزنامه پیگار که بچه ها هم برایم میخوانند اطلاعات و آگاهی زیادی بدست آورده ام و از اینک شما سب و روز در راه طوفان کارگر و زحمتکشان کوشش و تلاش کنید بسیار ممنونم و خواهش میکنم در این راه همیشه پیروز باشید و من که این روزها ما را هر چه بچه ها بپرسند هر چه خودم بپرسم جواب دهید و چیزهایی که از آنجا فهمیده ام تا آنجا بگویم که بتوانم به دیگران آرییم و این هیچ کاری از دستم ساخته نیست و هر که چقدر کار می کند بتواند به کسک تا چیزی را که شما داده اید و پول کار و زنی ها پس است که ما کم امپروار سرد قبول شما باشد و اگر دارم دیگر از دستم ساخته باشد با شما با همال میل در اینجا سر آن حاضریم امپروار پیروز باشید
مادر شما - ن

کشتا ریشترمانه آنان دست زده است، ما بسند نشان داد که چگونه رژیم به بیانه جنگ، به لگد مال نمودن دستا وردهای انقلاب بردا ختدو با منحرف نمودن اذهان نوده ها و با فریب آنها مانع بسط و گسترش مبارزات انقلابی و ضدا میریالیستی نوده ها میشود، بعلاوه در این جنگ، با بدو وظایف طبقه کارگر بندت تبلیغ گردد، با بدی سروری مبارزات مسلحانه خلق که در علیه رژیم و حقا نیت این مبارزات تبلیغ شود، با بدو وظایف خائسانه روبرو نیستیها "سجها نی" و "توده ای" و فدائی (اکثریت) که به دفاع کامل از بورژوازی خودی برخاسته و نغمه سازش و تسلیم را برای کارگران و توده ها سر میدهندا فشا نمود، با بدو تحرفات روبرو نیستی و دفاع طلبان را که میکوشند جنگ کنونی را آشکارا و غیر آشکارا در دلانه جلوه دهد و از این طریق نوده ها را به تقریبا عبور و زوازی می فرستد، با صدای رسا اعلام و بر علیه آن مبارزه شود، با بدی پرورش روحیه انقلابی کارگران و زحمتکشان توجه جدی شود و با هر گونه بی تقاوتی و با سیفیم در قبال جنگ مبارزه شود، با بدی نشان داد که جنگ در راستای خودی تسدید فاکت توده ها همرا بوده و ناگزیر رضایتی و عیمان توده ها را بر خوادا فروخت و آنان را در مبارزه علیه رژیم به پیش خوادا ندو با لخر با بدی ضرورت مبارزه با جوخقان کنونی و سرکوب آزادیهای دمکراتیک و ضرورت مبارزه در جهت دفاع از آخرین دستا وردهای قیام در تبلیغ منعکس شود. آری، تنها با تکیه بر این وسایل و برجسته نمودن آن در تبلیغ میتوان از زاویه طبقاتی (و نه فرمیستی) به تبلیغ علیه جنگ پرداخت، نوده ها را آنگاه که در آنها را سازمان داد و از این طریق به رشد و گسترش جنبش توده ای دامین رده و توده ها را هر چه وسیعتر و گسترده تر برای انقلاب آماده ساخت.

پیروز باشید!

نامه ای از رفیق کارگر "الف"

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر ایک که این نامه را من نویسم در کنارم سر به بیکار روز ۱۳ آبان و کتاب کارگران و زحمتکشان ما نیفتاد است، در حال خواندن بیکار بودم که صفحه نامه ها و کمکیای مالی را دیدم و بیه مگرم ما بوستن به سازمان افتاد و وار خود را نفاذ کردم و کفیم بولی را که از راه فروختن سیروی کار خود به سرما به دار بندست آورده ام برای سازمان بفرستما برای هر چه مستر آکا ه کردن کارگران و زحمتکشان در مورد انقلاب و حسرت بیکار برسد، در ضمن اگر سازمان میخواهم خبرهای کارگری را از این بدهد و آدرسی کارخانه و وسای کارکا در امرا موثن بکشد.
برای سازمان آرزوی موفقیت می نمایم، چون نشریه بیکار را این نشریه کارگران و زحمتکشان را هر ساله رسیده و بگویند به حجاب مبارساند

اسما را میگردد، سما می کوشیهای ما بسنظور آن است که بتوانیم را بطهای تنگاتنگ و استوار با زحمتکشان برپا کرده، امر انقلاب را به پیش ببریم، کمک و حمایت شما نشانی از شمره تلاشمان است.
پیروز باشید!

مادر ما را! کمکیای گرامتر ما را در سافت کردیم اینگونه حمایتی که سوسله زحمتکشان به ما میبندد جان بسکرمی به ما میدهد که بوحسب افرا سروری اطلاعاتمان در مبارزه ما بسنمو

آنچه در این شماره در ذیل عنوان فوق می آید، دامنه مقاله شما رهبری است که متأسفانه به دلیل کمبودها در این شماره آمده است. در قسمتهای قبلی مقاله به ظهور جنبش کارگری و کمونیستی و سپس که این جنبش در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای عراق ایفا کرده برداختیم، سپس به سازش و خیانت رویزیونیستها و پشت کردن آنها به انقلاب و انشعاباتی که در حزب کمونیست عراق رخ داده است اشاره نمودیم. اینک دنباله مقاله:

نگاهی به: جنبش کمونیستی در عراق و خیانت رویزیونیستها

نداشته باشد" طبق توافق، حزب با اصطلاح کمونیست حسن ذات روزنا مه میوه داشته باشد، این روزنا مه سام "طریق السبب" یعنی "راه مردم" منتشر شد. فرق این روزنا مه با روزنا مه های دولتی این بود که در این روزنا مه اخبار کشورهای "برادر" یعنی سوسیال امپریالیسم شوروی و اقمار را می خواندی. اما همینجا این را اسفاد به هم گشاده غلبرغم آنچه ذلتی که نشان داده بودند بهای حزب توده در جابلوسی نسبت به رژیم نمی رسیدند!

دبیرکل حزب رویزیونیست عراق "عزیز محمد" نامدار که البته از همتای خود کیانوری خوشتر است چون بالاخره توانسته است از دست ارباب "خازنه لنین" رادریافت دارد و بدیعی از سمتها منجمله به ریاست جمعیت ملح و همبستگی در عراق نائل آید.

یعنی های عراقی با دادن جنبش امتیازاتی به رویزیونیستها از سر روی کواهی حسن اخلاق گرفته، توانستند عراقی رانانرا تبدیل زرادخانه

سوانستند از ایهمه امکانات بفتح طبیعت کارگرو زحمتکشان و در جهت کسب قدرت سیاسی استفاده کنند.

"حزب کمونیست عراق" (رویزیونیست)

هما نظور که کمینیم ز سال ۵۶ بسندگرا بس رویزیونیستی در درون حزب کمونیست عراق تشدیدند و در سال ۶۴ به نام رسمی سیاست اقتصادی رژیم ارتجاعی عارف از طرف رهبری

بطور خلاصه: جنبش کمونیستی عراق دچار انحرافات کوناگون و مهمتراز همه رویزیونیستی شد و امکانات بیروزی که در نتیجه شرایط عینی جامعه و واگیری مبارزه طبقاتی فراهم بود، علیه غمخدا کاربها و دهها سال تلاش پیگیرانه کمونیستها عملاً از دست رفت. هم اکنون از حزب کمونیست عراق - فرماندهی مرکزی "یک رهبری اسمی مانده است که فردی بنام "ابراهیم علوی" خود را دبیرکل آن مینامد. وی در سوریه اقامت دارد، گروهی از اعضای انشعابی فرماندهی مرکزی نیز با انتشار نشریه ای بنام "وحد القاعده" یعنی وحدت اعضا و کارهای حزب خود را بهمین نام می نامند. طی دوسه سال اخیر در میان اینان اختلافاتی که یکی از آنها بر سر قبول یا عدم قبول ترضد انقلابی سه جهاست بروز کرده و موجب انشعابها و تصفیه ها شده است. گروه دیگری هم هست که خود را "کمونیستهای انقلابی عراق" مینامند و نشریه ای بنام "الاساس" هر چند گاه منتشر میکند. این گروه ها بیشتر در خارج اند جنبش کمونیستی عراق در زیر ضربات شدید حکومتی بورژوازی که با شدیدترین شیوه های فاشیستی به سرکوب کمونیستها پرداخته اند بسیار خیانتهای رویزیونیستها نیز مواجه بوده است. در اثر همین ضربات در داخل و خارج جنبش کمونیستی عراق در وضعیتی شدیداً ناسامان بسر میبرد. این جنبش در شرایطی که از بیگانه گسترده توده های بین کارگران و زحمتکشان و انقلابیهای قومی (کردها) و مذهبی (شیعه) تحت ستمی است دست بردار (برای مثال یکی از بیگانه های معتبر کمونیستها در نجف بود)، در شرایطی که بورژوازی ملی شدیداً ضعیف و نیروهای سیاسی نماینده خرده بورژوازی نیز ضعیف بودند، و نیز در شرایطی که کمونیستها حتی در مواضع کلیدی اداری و ارتش ما حجب نفوذ بودند و بر بسیاری از اتحادیه های صنفی هم مونی خود را اعمال میکردند و در کارخانه ها، روستاها، شهرها، مدارس و دانشگاهها حضور فعال داشتند و در کردستان نیز از بیگانه مناسی برخوردار بودند، بدلیل کمیت رویزیونیسم و پورتونیسیم برهبری حزب

ما با کمونیستهای عراق که علیرغم فشار سرکوب های فاشیستی رژیم حاکم از یکطرف و خیانتهای رویزیونیستها از طرف دیگر همچنان مصممانه در مناطق مختلف عراق بویژه در کردستان و یارخارج از عراق در راه رهایی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان عراق مبارزه میکنند، از آنها که به انقلاب و لنینیسم وفادارند و با انحرافات رویزیونیستی در اشکال متعدد در مبارزهای خستگی ناپذیر راه پیش میبرند، در پیوندی عمیق بسر میبریم.

سلاحهای روسی ارتقا بخشد! و بصورت ویترنی "را" در دست غیر سرما به داری "بیرون آمدند!" رویزیونیستی عراقی عناصر انقلابی حزب و کارگرانی را که حاضر نشده بودند خط آنان را بپذیرند به رژیم لودا دند و در نتیجه سازش های خود، در پنتوم سال ۷۷ خود سنجیده گرفتند که صد اسم حسین با این همه مترقی ندن، امید کمونیست شدنش منورود! رویزیونیستها برای خوش آیند رژیم کار را با بی رسانندند که وقتی اختلاف بین بعث و حزب دموکرات کردستان بالا گرفت، حاضر شدند سلاح بدست گرفته علیه خلق کرد و بشفیع بعث بچکنند.

اما این ما به عمل دبیری نیاید. یعنی ما پس از چند سال احساس کردند که بازی "جبهه ملی و قومی مترقی" دیگر از مصرف افتاده و اوادامه فعالیت رویزیونیستها ضرورتی ندارد و ممکن است ضررهای هم داشته باشد (میزان عقیماندگی و ارتجاعی بودن را نگاه کنید که از رویزیونیست ها هم میترسد البته تعجب ندارد مگر همینجا همین نیست؟!). این است که مترقی روزنا مه حزب را با مواضعی روبرو کرده از انتشار آن جلوگیری نمودند. چند کتاب فروشی هم که حزب داشت یکی یکی درش را بستند "عزیز محمد" که

انشا مید. پس از آن همه سرکوبها، با کودتای نیمه در سال ۶۸ و شعارهای برعکس عراقی، رویزیونیست های عراق که تشکیلات خود را "حزب کمونیست عراق - کمیته مرکزی" می نامند، بنا به ماهیت خودشان و توصیف "برادر بزرگتر" ماد ه سازش هر چه بیشتر شدند. پنج سال از کارزار ۶۸ تا ۷۲ چانه زدند و سرانجام رژیم با اصطلاح مترقی ملی و فدا میریالیست عراقی "جبهه ملی و قومی مترقی" تشکیل داد. "جبهه ای که برهبری حزب بعث و با مکتب حزب کمونیست (رویزیونیست) حزب دموکرات کردستان (برهبری بارزانی) و تا صریستها بوجود آمد. رویزیونیستها خود را مانند حزب توده، حزب طبقه کارگر می دانند و بی اساس توافق با دولت و بی قیمت "فعالیت" علنی حق نداشتنند در مدارس فعالیت نمایند، در ارتش که هرگز! حزب بعث حق فعالیت سیاسی درون ارتش را در آنجا خود میداند. در سال ۷۸ قریب ۱۴ نفریاً بیشتر از نظامیان عراقی را که حزب ارتباطی داشته اند به جوخه اعدام سپردند و حزب در پاسخ به این اعتراض که چرا اسکوت کرده اید گفت:

"می خواستند با حزب تماس بگیرند! ما از اول غول کرده بودیم که ارتشی ها را بطه ای یا ما

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم!

اخبار جنگ

ورود اسلحه های آمریکائی

اوایل آبان ماه سه فروند هواپیمای باری در فرودگاه مهرآباد به زمین می‌نشینند. نمایندگان سه هواپیمادار فرودگاه مطرح میکنند که محموله خود را باید تحویل نمایند. نمایندگان ارتش بد هند. پاسداران بدلیل اختلافات خود با ارتش با این امر مخالفت میکنند و به مقامات دولتی اطلاع می‌دهند. سپس بهشتی به محل آمده و میگوید: "اینها اسلحه است و باید هر چه زود تر تحویل ارتش بشود." پس از این دستور تخلیه هواپیماها شروع میشود. آنچه مهم است اینکه این هواپیماها از یکی از فرودگاههای آلمان آمده و روی جعبه های محموله شان نوشته شده بود: **بزیان خودمان ساخت آمریکا.**

بی سبب نیست که رژیم جمهوری اسلامی بر تحویل گروگانهای جاسوس اصرار میورزد و زیرا او برای پیشبرد جنگ ارتجاعی و سرکوب انقلاب به اسلحه های آمریکائی محتاج است.

جاسوسی حزب توده برای سپاه پاسداران

رویزونیستها نوکرو جاسوس بورژوازی میباشند. از زمان شروع جنگ ایران و عراق همه رویزونیست ها و از آن جمله حزب خائن توده پیوسته برای دستگیری و سرکوب انقلابیون بویژه کمونیستهای پیگیر به ارتجاع حاکم کمک کرده اند. نمونه زیر یکی از موارد جاسوسی توده های هاست: چنسد روز پیش در روزه های شهرآباد آن بسته بود و تنه راه خروجی از شهر برای توده های مردم و خلاص شدن از ترکشهای خمپاره راه آهسی در انتهای شهر بود. برای راهنمایی مردمی که در راهی خروج بودند، هواداران سازمان پیگار روی کاغذ بزرگی نقشه خروج از شهر را کشید و در یکی از ناحیه های آبادان به دیوار میچسباندند. در این هنگام چند لعین ویک "توده ای" در محل بودند فرد لعین گفت: "اینها جاسوس عراقند." توده ای خائن گفت: "ستون پنجم که میگویند همین است و شاخ و دم ندارد." در این موقع رفیق هوادار به افشاگری پرداخت و فرد "توده ای" بلافاصله از آن محل رفته و چند دقیقه بعد سر

و کله کمیته چی ها پیدا شد. آنها نقشه را کده و گفتند "کسی را که این نقشه را کشید و نشان دهد تا تکه تکه اش کنم." "توده ای" خائن کار خودش را کرد و مانند همیشه خیانتش به انقلاب و نوکری اش به بورژوازی را به اثبات رساند.

اعتصاب فرماندهان برای بنی صدر

۵۹/۸/۴ - دستون زهری که از طریق ماهشهر طرم آبادان بودند پس از دوروز تاخیر در حوالی ماهشهر به سمت آبادان حرکت کردند.

طاعت مد حرکت این دستون اعتصاب فرماندهان آن بوده است. پس از برکناری بنی صدر از سمت ریاست کل قوا ریاست شورای عالی دفاع، فرماندهان ارتش به حمایت از او اعتصاب میکنند. پس از آنکه بنی صدر دوباره در سمت خود ابقا میشود، فرماندهان از اعتصاب خود دست میکشند و به ستونهای دستور حرکت میدهند. این خبر در واقع از یکسو بیان تضاد ارتش و فرماندهان مزدور و حزب و پاسداران و از سوی دیگر نزدیکی ارتش به لیبرالها میباشد. در واقع اگرچه در ابتدای جنگ تضاد های درون هیات حاکمه بظاهرتخفیف پیدا کرد، اما ادامه جنگ بیش از پیش تضادها را تشدید نموده و رژیم را به استیصال بیشتری می کشاند.



بقیه از صفحه ۱۵ نگاه کنید...

کشود، راهی که در نتیجه خیانت رویزونیستها از سنگلاخ و لخته های خون انباشته است.

ما با کمونیستهای عراق که علیرغم فشار و سرکوب های فاشیستی رژیم کم از یکطرف و خیانت رویزونیستها از طرف دیگر همچنان مصممانه در مناطق مختلف عراق بویژه در کردستان و بادرخارج از عراق در راه های طبیعی کارگرو دیگر زحمتکشان عراق مبارزه می کنند، از آنها که به انقلاب و لنینیسم وفادارند و با انحرافات رویزونیستی در اشکال متعدد مبارزه ای خستگی ناپذیر را به پیش می برند، در پیوندی عمیق برمی بریم. سرنوشت طبقه کارگرو دیگر زحمتکشان در عراق و ایران بهم پیوسته است. همبستگی بین کمونیستهای ایران و عراق جزئی از انترناسیونالیسم پرولتری است.

به مسکو یا اروپای شرقی رفته بود در همان زمان دفاع از حزب یکی پس از دیگری تعطیل شد و اعضای حزب (که بسیاری از آنها تا آکا هوفریب خوده اند) "هرکس از گوشه ای فرار کنند!" اما رویزونیستهای عراق ظاهران هنوز حزبشان منحل نیست، چون هنوز عراق به روابط با شوروی نیاز دارد و شوروی هم به دوست "مترقی و فدا میریالیست اش" "سدام حسین" محتاج است. آنچه گفتیم تصویری موجز از تراژدی حزب کمونیست عراق بود که مسلماً تراژدی نخواهد ماند. طبقه کارگر عراق و نیروهای انقلابی و کمونیست نماینده آن با درس گرفتن از تجارب غنی و عظیم گذشته را راه بسوی پیروزی خواهند

رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

«ملاحظات کوتاه»

فقط يك معيار!

در ساخت ماهیت رژیم‌کنوسی بسیاری از توده ها دجا رنوهما بدویرخی از نیروها دجا را نحراف ا کرهخ معباری برای شناخت درست ماهیت رژیم‌جمهوری اسلامی وجودنداشت، تنها نمونه زیرکافی بوده که معلوم شود این رژیم بر حسب ادعای "فدا میریالیست" و "انقلابی" است یا برعکس؟

آمریکا و رژیمهای ارتجاعی مثل رژیم سابق ایران کمونیستها و نیروهای انقلابی را دشمن شماره ۱ خود میدانستند و هرگز از سرکوب آنها غافل نمی شدند. رژیم‌جمهوری اسلامی هم همینطور! اینکه رژیم‌خنی در بدترین شرایطی که کبر میکند از حمله و اتهام به کمونیستها و نیروهای انقلابی و تلاش برای سرکوب آنان غفلت نمی کند، اینکه امروز هم مانند گذشته کمونیستها و مهادین خلقی بدزدان میافتند و در بیدادگاه های در بسته محاکمه میشوند (نمونه خیرش سعادتی او با بدون محاکمه (آنطور که در جریان اعدا مرعفا دانسار، سیک اندا موا ترفی بدست خلخالی جلا در رژیم سابق افتاد) بدخو خا عدا م سیرده میشوند، اینکه تریات کمونیستها و مهادین ممنوع است و توریع کشندگان تحت بیکرد قرار می گیرند.

آری همین رفتار با انقلابیون را که دشمنان ساری تا بدیرا میریالیست اندا کبر معیار و ملاک بکری به نتیجه ای جز ارتجاعی بودن و فدا انقلابی بودن این رژیم نخواهیم رسید.

از فلسفی، واعظ دربار شاه چه خبر؟

ما تا کنون چندبار رهبر ارتجاعی فلسفی واعظ معروف دربار و جادو مافکن کودتای آمریکا شی ۲۸ مرداد را آشنا کرده و یکبار هم عکس او را در کنار رسیدن از هدی جاب کردیم و مواضع فکرمونستی او را که از "ترکت رژیم جمهوری اسلامی فرصت غیور برتنا برورادیم و نلو بیویون با فته است افنا نمودیم. جها رشنیه ۱۴ آبان ما دشمنان به "حمال" اینان در کنار آیت الله خمینی روشن نمود در با فتم که خا شنی ما شد فلسفی که در ضدیت با نیروهای مترقی سوا بق محتدوسیا هدارد، در جریان یک بیونسد طبقاتی در کنار آیت الله خمینی نشسته است و آیت الله با لحنی "میمیانه و خودمانی" میگوید: "ما با هم قیام کردیم که اسلام را زنده کنیم و انشاء الله به سا برجا ها هم ما درکنیم، ما همه برادریا هم هستیم، دوست با هم هستیم و میدویم همه ما دوش بدوش هم هر کس هر مقداری که میتواند

وزحمتگانی است که بوسید سرما به داران و دولت نشاننده آسپار رژیم‌جمهوری اسلامی جبا ول و غارت مسود، در سربا بیکار رجا یا ب جمهوری اسلامی در کسارون و مردود کودکی خلق کرد، خلق ترکمن، سرکوب کارگران بیکار و... سرحمانه افنا میشود.

سربدینکار، جنگ ایران و عراقی را حکی غیرعا دلانده، حکی که بر علیه منافع زحمتگسان و کارگران ایران و عراقی است و حرکتگرانی، سگاری، تحطی و فقر و ورانی بدشمال ندارد اعلام آن را محکوم میکند.

سربدینکار این جنگ را جنگ سرما به داران ایران و عراقی میدانند، حکی که فرزندان کارگران و زحمتگسان ایران و عراقی تریا سی حرمی و آروکونست دم توب سرما به داران میشوند، آری دشمنان بیکار، جدگسای حرم سرما به داران و رژیم‌نما سده آنها جمهوری اسلامی میخواهند!

آری آنها ابرسی آکا هی بوده ها، ابرسی ایگدجنا با سنان هر جدمین سردر در توده ها افنا و بر ملا کرده، محسورند! بکظرب طلسوی فروش بیکار را بکیر سدوا و ا لرت دیگر با سلیفات بی تریا نهی خود، بدخیال باطل حوس مردم را ارجواندن آن منع کنند.

اما جور شیرا با کجل نمی توان ا بدود، آری نوشته های بیکار جفقت است، نوشته های بیکار در ددل کارگران و زحمتگسان است، نوشته های بیکار در ددل کیرتسینان و خورسینان دهقانان کردستان و ترکمن صحرا، کارگران کارخانه ها و مردم در حمتگی است و آن را دشمنان با تبلیغات مفض اینجایی از حرم مردم انداخت!

هر چه رسوا تریا تبلیغات دروغین رژیم جمهوری اسلامی!
هر چه افرو تریا آکا هی و هوساری
کارگران و خلق شهرمان اسیران!
برقرار با جمهوری دمکراسک خلقی!
سارمان بیکار در دراه آرادی طبقه کارگر - کیلان
۱۳۵۹/۸/۶

بقیه از صفحه ۲۶

در نشریه بیکار چه چیزهایی نوشته شده که آنها را چنین به هراس انداخته است؟

کارگران و زحمتگسان، مردم مبارز و رکنان! این روزها، رژیم‌جمهوری اسلامی و ارتقای سرکوبگرش مانند سیاه پاداران، سنا دیسج مستضعفین و تمام سرما به داران و مفتخواران، موج وسیعی از تبلیغات دروغین را بر علیه سا زمان بیکار و نشریات آن مخصوص سربدی بیکار به راه انداخته اند.

رژیم‌جمهوری اسلامی و حرب ارتجاعی جمهوری اسلامی، در روزی نامه ها و مقالات حسود سا زمان بیکار را دشمن طبقه کارگر و مردم ایران، عا مل بیکارند... قلمدا دمکنند (همان با وه - ها شی که رژیم‌ها مردود رهینه بر علیه کمونیستها میکفت) اما با بیده این حرب ارتجاعی گفت: دشمن طبقه کارگر و زحمتگسان و عا مل بیکار سده حزب ارتجاعی شماست که مردود و جاسوسی مثل آیت انگلیسی مغز متفکرش است. دشمن طبقه کارگر حزب شماست که بیمنی ها و رتسجانی های مرتجع و سرما به داران در راس آن قرار دارند.

دشمن طبقه کارگر و زحمتگسان رژیم‌جمهوری اسلامی است که دستا سنی سا مرفق بدخون خلقی کرد، ترکمن، عرب و کارگران آغشته است، رژیمی که جاسوایی مانند میرا نظامها، مدنی ها را انقلابی میخواهد و بر مسند قدرت می نشاند. رفقای سا زمان ما کانی میباندند که در دوران خونبار روسیا در رژیم‌نما بیکار و آدمکن شاه، در همان زمانی که مفتخواران در قدرت کثونی، دزلاک خود فرورفته بودند، به میساره انقلابی با رژیم مزدور بیملوی مشغول بودند و شهدای جاننازی چون، مدیقه رضائی، محبوبید متحیدین، سرور آلابوش، حسن آلابوش، محمدرضا - آخوندی و... همسنگران رفقای ما بوده اند. آری، دشمنان بیکار، دشمنان طبقه کارگر و زحمتگسان یعنی سرما به داران و کلید مفت - خورانی میبایستند که زندگی انگلی آنها را مکدن خون کارگران و زحمتگسان نامین مسود.

در نشریات بیکار، صحبت از حقوق کارگران

بقیه از صفحه ۱۵

احکام دادگاههای انقلاب اسلامی مورد سده کا مل آیت الله هستند که وزیرای هویدا، روسای برجسته سا واک وحتی کودتا جیان را عقومده و با به چند سال زندان محکوم میکند، ولی کمیونیستها و انقلابیون را به حرم دفاع آرمان کمونیسم و منافع زحمتگسان در دادگاههای در بسته و حتی دادگاههای صحرائی حد دنیقه ای محکوم به اعدا میکنند! (۱)

آری، از نظر آیت الله و قسری کدا و آسپا را شما بیندگی میکنند و بیشتر از آن لیبرالیناری (۱) - با ورق از بیکار: مرا جمع کنید به حکومتی محاکمه رفقا منوچهر نیک اندا مو محمد شرفی توسط خا لالی جلا (مندرج در همین شماره)

بقیه از صفحه ۲

غادی بین ایران و آمریکا بدسار ریستری روی خواهد آورد. بخصوص در زمانی که رژیم‌جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقاتی خود از موضع ضعف خواهان برقراری مناسبات اجتماعی و سیاسی با آمریکا است و فعلا لایه میگوید با اسلحه های امیرالیست آمریکا را بدست آورد، دولت ریگان درسی آن خواهد بود از موضع قدرت امتیازات سسری کسب نماید. آنچه از اهمیت است است اسکه اگر چه رژیم‌جمهوری اسلامی از نقطه نظر ررحمی خواهان بیرونی کار برسد، اما از آنجا کدب مناسبات با امیرالیست آمریکا نباید از دارد، همچنان سیاست خا شانه سازش با آمریکا را تعظیم خواهد نمود.

«دلائل خطای کوتاه»

بنی که یک پیر مرد ضعیف هست محبت بکنم برای شما آقای فلسفی هم که پیر مرد قوی انشاء الله هستند بمان هم برای شما صحبت بکنند...

آیا اینک بیت الله خمینی فلسفی را بیه عنوان بزرگترین خطیب و دروس منبریهای حاضر در جلسه در کنایه خودی نشان ندو از او بخوبی یاد میکنند "قیام کردن" و "مدور انقلاب و مخترانی" های فلسفی را در کنایه هم در بیوند با هم می بیند، تمام دفعی است؟

دست بدامن فتودالیا علیه چپ!

از لحظه ای که معلوم شد ریگان بدینا است جمهوری آمریکا انتخاب شده دستگا بهیای نسیفاتی رژیم چنان از عدم انتخاب کارتر سخن میگویند که کوشی کارتر را رژیم ایران "از کار برکنار" کرده و مثلاً فرشته ای را بجای "شیطان" نشانده اند سیاست دروغ و فریب نسه اصول و پرنسیپ می شناسد و نه فایده دارد. یکی از این آقایان سراپا عکس و اسلیمی و ساراز با آمریکا جواب میدهد که آخرا قضیه با کرده گروگانها را با چنین عجلای سرهم بندی کردند و مگر نه برای این بود که بتوانند پیش از انتخابات آمریکا با گرفتن امتیازی هرچند جزئی، آبروی برای خود دست و پا کنند؟ مگر یکبار در روزنامه ها (حتی جمهوری اسلامی) سخن از عقل و منطق و خودداری از جبروی مطرح نند؟ و مگر مجلس شورای اسلامی و گلهای سرسند جمهوری اسلامی (مثل شیخ محمد منتظری) کارتر را بر ریگان ترجیح ندادند و مگر همین فردا خیر با صهیونیست خواندن ریگان، کارگر را تطهیر نکرد؟ و آیا رژیم ایران با موضعگیری اش درقبال گروگانها ضیاعی بدکارتر ننموده و در واقع سه او را بناد ۲۴ قایان چرا قضیه "سگ زرد برادر شغال" است؟ راکه تازه فهمیده اند عموما پیش از انتخابات فراغوش کرده بودند؟ "سیاست فسد امیرالایستی رژیم" به "گربه مرتضی علی" میماند که هر مطلق بزند با زجرها دست و پای "فسد امیرالایستی" فرود میاید!

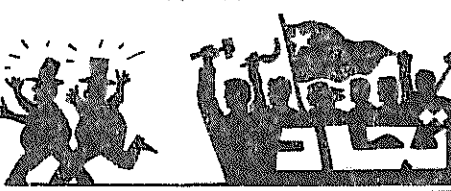
انتخاب نشدن کارتر و سیاست "گربه مرتضی علی"

یادمان هست که میگفتند در "مجلس شورای اسلامی" نما بندگان واقعی "مردم" جمع شده اند اگر هنوز با ورنکرده اید آقای "علم الهدای" شما بنده اردیبهشت بنویسید که روز سه شنبه ۲۹ مهر در مجلس با ناراحتی ابراز کرده است که چرا فتودالیا را از دولت و جمهوری اسلامی رنجانده - اید و اضا ف کرده است که حضرت ایشان بعضی از بنده در صفحه ۱۹

برای اینست که میگویند این امر سیاسی قدرت را نیز از دست لیبرالها خارج سازند. لیبرالها که تاکنون این ابزار مهم در دستشان باقی با نده است، میگویند آنها همچنان برای خود حفظ کنند و دلیل شکست ها را اندام کار ریا و عدم تخصص "جناح مقابل" جلوه گر سازند. تضاد در این قسمت آنچنان حادث است که ارتشش از آموزش سپاهیان در مورد سلاحهای سنگین بر سازنده است. تا همچنان نقش اساسی را در جنگ "کلاسیک" غیر عادلانه کنونی بازی کند. بهر صورت در مقابل تلاش بنی صدر برای تحکیم قدرت بخاطر جنگ کنونی و احتیاج شدید رژیم به ارتش، حزب جمهوری اسلامی نیز دست به تهاجم زده و به تضعیف جناح مقابل پرداخته است.

(۱) - مراجعه کنید به مطلب "جنگ قدرت بر سر تلویزیون یا لا میگیرد" در همین شماره متعدد و مبارزین تشیقات هر دو جناح بر سر اعمال حاکمیت بر سیاست تسلیماتی کشور و دستگا راه دیو و تلویزیون که در زمینه سازی افکار عمومی نقش اساسی دارد، افتخار گریه ای صورت میگیرد. در مقابل این وضع بنی صدر هم عکس العمل نشان داده و حاضر به مصالحه با تلویزیون نمیشود. شب جمعه گذشته، شبکه دوم تلویزیون با بخش عمده ای با "تظ زاده" و "میلنی اسلامی" حول مسائل مربوط به راه دیو و تلویزیون برابن دعوی بین جناحها سنگ تمام میکنند. روز جمعه عادی قطب زاده به حکم دسرای مرکز استگروو به زندان اوین منتقل شده و میلنی اسلامی نیز تحت تعقیب قرار میگیرد. همزمان با این وقایع "موسوی اردبیلی" دادستان کل دو حجت - الاسلام "بنامیای" علی اکبر محتشمی و "عبدالله نور" را به سرپرستی صداوسیما و شخصی بنام دکتر ندیمی را به سرپرستی شبکه دوم تلویزیون انتصاب میکنند.

آنچه که از فراین سرمایه بدین است که مجموعه این تحولات تاکنون به نفع حزب جمهوری اسلامی تمام شده است. با کترلی که حزب ارتجاعی و "فراگیر" جمهوری اسلامی بر مجلس و دبیر ارگانهای حاکمیتی دارد و با تحویب "الاحسه" مربوط به تلویزیون، و اداره تلویزیون به کلی از دست جناح بنی صدر خارج خواهد شد و درگیری دو جناح شدت بیشتری خواهد یافت. ارتجاع نیک میداند که برای تخریب افکار رتوده ها باید نفس دستگا های تبلیغاتی را بدست گرفت و اگر نتوانستند با "میثاق وحدت" این شریکانشان تبلیغاتی را فاسد کنند، با گنی از دست یازیدن با ۲- و با سارورندان نیز بر علیه هم دیگر ندارند!



بنده از صفحه ۲۶ جنگ
حادث یا بی این تضادها را با بیستی در ارتباط با مسئله مشخص دانست.
۱- مسئله انتخاب و برای ما قیام نده و بخصوص وزیر امور خارجه، بنی صدر تاکنون از تصویب وزارت معرفی شده از سوی حزب جمهوری برپا زده است. این مسئله بخصوص در مورد وزارت خارجه حائز اهمیت است. حزب جمهوری خواهان تعیین سیاست خارجی است و اینهمه از آن مواردی است که اختلاف با رزی میماند لیبرالها و حزب جمهوری وجود دارد.
۲- اختلاف بر سر نقش ارتش و نیز شکست در جنگ را بگردن یکدیگر انداختن.
بنی صدر و حزب جمهوری هر یک میگویند، دلیل ناکسهای جنگ را بگردن یکدیگر میاندازند تا که حزب بر فیانت فرماندهان ارتش و تلاش برای ایجاد ارتش توحیدی (نطق معادخواه)

بنده از صفحه ۲۶ گمشده...
به دستگیری است. در روزهای اخیر درگیری بر سر تصاحب راه دیو و تلویزیون بین دو جناح حزبی و بنی صدر آنچنان بالا گرفته است که کار را به "حقیقت تیرکشی" سرکشانده است.
بنده از صفحه ۲۷ مهر از طرف خرازی رئیس تبلیغات شورای دفاع، نوشته ام. مدیران حزبی برکنار شده توسط تبلیغی اسلامی فاشم مقام راه دیو و تلویزیون (که از جناح بنی صدر است) به دست تلویزیونهای در "واحد تبلیغات تلویزیونی" گمارده میشوند. در تاریخ ۳۰ مهر، نامه ای به امضای هاشمی رفسنجانی و رجائی (از طسرف شورای عالی دفاع) که از مجلس را دارا از تبلیغی اسلامی میخواستند که کلیه تغییرات در زمینه اخراج و استخدام پس از اول مهر مطلق اعلام شود. و بنی صدر نیز طی نامه ای در پاسخ بنده تبلیغی اسلامی اطلاع میدهد که بنا به مذاکرات طرف شورای عالی دفاع، و با تأیید رئیس شورا نبوده است. در سوم آبان ماه، گلمکانی یکی از مدیران امتصای از سوی تبلیغی اسلامی، توسط جوامع حزب جمهوری اسلامی کثبان کثبان از محل کارش به طرف فیدر خرازی برده شده و اخراج میشود و در کتیریهائی را در محل راه دیو و تلویزیون سبب میگرد. در تاریخ ۷ آبان ماه، با سداران صدق در جابوی در ورودی تلویزیون از ورود تبلیغی و دو مدیران تصاحبی اش به محوطه راه دیو و تلویزیون جلوگیری می نمایند و در مقاومت آنها چند تیرهواشی شلیک میکنند. با صدای شرا در آرزوی کارمندان به بیایین میریزند که با دخالت آنها سرانجام تبلیغی و دو مدیر مذکور موفق میشوند و ردا ختمان بسودند. این جریان عکس العمل های مختلفی از طرف کارکنان صورت میگیرد. اغلب آنان جانب لیبرالها را میگیرند. افراد اینجمن اسلامی و طرفداران حزب بنی بکنند قضیه را به لا بگیرد و عوا میل سلطنت طلب و بختاری نیز موعبتی برای تبلیغ اوضاع گذشته می یابند. از طرف کارکنان

بقیه از صفحه ۲۶ بحال کده...

دادگاههای اداری چماق سرکوب کارکنان مبارز

طبق این دستورا ز این پس "دادگاههای اداری برای رسیدگی به "تخلّف" معلمین فعال تر خواهند شد، با افشای کمیته های "پاکسازی" و عملکردهای ارتجاعی آنان "نخست وزیرمکتبی" صورت آبرومندان "تری به سرکوب معلمین مبارز میدهد، ولی این چماقهای سرکوب کوچک - ترین تردیدی در ادا مهران معلمین انقلابی و آگاه بوجود نخواهد آورد.

پس از اخراج هزاران معلم متعهد و مبارز و اعتراض گسترده کارکنان وزارت آموزش و پرورش ارتجاع شیوه خود را برای سرکوب معلمین آگاه و متعهد تغییر میدهد. محمدعلی رجایی مرتجع طی بخشنامه محرمانه ای در اول آبان ماه (به شماره ۲۵۹۲) از مسئولین خواسته که "ممنوعیت تدریس" و "پاکسازی" و اخراج معلمین را بدون مشورت با "شگرد مخفی" متوقف سازند.

ارتجاع حاکم طی دو سال حاکمیت، بنا به شیوه رایج خود، همواره در پی فرصت مناسب جهت سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی بوده است. لشکرکشی مجدد به کردستان و کشتار دردانشگاهها همزمان با ماجرای طیس، کشتار رکارو و بیکاران در ماه شهر و دورود... و محاکمه و اعدام مرتجع تقی - شهرام همزمان با کشف کودتای نظامی از جمله شگردهای عوام فریبانه رژیم در سرکوب انقلاب بودند. اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی میکوشد با استفاده از موقعیتی که جنگ با عراق در جاکمه ما بوجود آورده، حملات خود را به نیروهای انقلابی و کمونیستها تشدید کند. کشتار در مها با دود دیگر شهرهای کردستان، اعدام هزاران رفقای بیکارگرمان در خوزستان، دستگیری و شکنجه انقلابیون در شهرهای مختلف ایران، همه از تعرض گسترده رژیم به انقلاب حکایت میکنند. محاکمه سعادت بعد از یکسال و اندی، آنهم بدنبال اعلام ممنوعیت کامل نشریات سازمان مجاهدین، گام دیگری در جهت تشدید خفقان و ایجاد دوخفقان و سرکوب علیه نیروهای انقلابی و کمونیستهاست.

خارت از آن سرمایه داران، شلاق نصیب زحمتکشان

بوجود آورده اند رفع نمایند. روستا ثیمان زحمتکش دست به مبارزه زدند و فرامانداران را که به منطقه رفته بودند روگوان میگیرند. "کمیته گیلان" سازمان ضمن افشای سیاستهای رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در مورد زحمتکشان و جنگ تحمیلی که عواقب آن فقط متوجه زحمتکشان میشود از مبارزات زحمتکشان گوراب زرمیخ پشتیبانی کرده و محتکران واقعی را که سرمایه داران مورد پشتیبانی رژیم هستند افشا میکند.

در مهرماه جاری "گروه ضربت" مومعه سرا به روستاهای "گوراب زرمیخ" یورش برده و با زیرورو کردن خانه های روستا ثیمان زحمتکش، هست و نیست آنها را بیرون میکشند و آنان را بحریم "احکار" شلاق میزنند. به این جرم که چرا یک یا دو کیسه سیمان در خانه شان بوده است. روستا ثیمان دست بدامن کلیه مقامات محلی از امام جمعه تا فرماندار میشوند، ولی طبیعی است که در رقابوس ارتجاع نیست که بتوانند بخواهد مشکلاتی را که خود برای زحمتکشان

آزاد ساختن گروگانها از جمله اقداماتی است که رژیم تحت اشاعه جنگ ایران و عراق بدنبال اجرای آن است. رژیم اینکار را به راحتی نمیتواند انجام دهد، مگر آنکه از افشای گریبای نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها جلوگیری نماید. ممنوعیت نشریات سازمان مجاهدین خلق از طرف رژیم نیز در جهت خلع سلاح تبلیغاتی این سازمان و جلوگیری از افشای گریبای آن در مورد آزاد ساختن گروگانها و محاکمه سعادت صورت میگردد. ما در مقابل حملات ارتجاع حاکم بنا به وظایف انقلابی و کمونیستی خود از مجاهدین خلق دفاع میکنیم و دفاع ما از سازمان مجاهدین هرگز به معنای تأیید تمام این سازمان بسا روستا تحت عنوان ایجاد مناسبات بین الجلی نیست. ما با این دیدگاه انحرافی مجاهدین که سوسیال امپریالیسم روس را "دوست" خلقهای ایران ارزیابی میکند، مرز بندی قاطعی داریم. اما آنچه در این میان مهم است استفاده عوام فریبانه رژیم جمهوری از این مسئله برای سرکوب انقلاب و لجن پراکنی بر علیه نیروهای انقلابی و کمونیستهاست.

ارتجاع چهره عوض میکند

۲۳ مهرماه در سالگرد کشتار صیادان و مردم زحمتکش انزلی بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، رژیم برای فریب توده ها با بسیج گروهی از دانش آموزان نا آگاه به راهی شهیدان به - اصطلاح مراسم یادبود ترتیب داد و آشوب تمساح ریخت. رژیم جمهوری اسلامی گمان میکند با این عوام فریبی ها میتواند توده ها را فریب دهد و ما هیت ارتجاعی خود را از آنان پنهان دارد. پیرزنی که شاد "مراسم" بود میگفت: "همین ها، فرزندان ما را با راسال کشتند و امسال برایشان مراسم برپا کرده اند". راننده زحمتکشی میگفت: "با راسال اینها زحمتکشان را در انزلی کشتند و امسال در جنگ، ولی بالاخره نوبت ما هم میرسد". آری نوبت زحمتکشان هم خواهد رسید که بحساب جنایات و خیانتهای سرمایه داران و مرتجعین برسند. (تلخیص از اعلامیه هواداران سازمان در انزلی)

رژیم، بواسطه افشای گریبای نیروهای کمونیست و انقلابی از چشم توده ها پنهان نموده و نخواهد ماند. این اقدامات توطئه گرانگیزانه کنونی رژیم با ردیگر نشان میدهد که برخلاف نظر مجاهدین اتخاذهرگونه سیاست سازشکارانه و مماشات - جویانه در مقابل رژیم، بهیچوجه تشدید حملات ارتجاع حاکم را منتفی نمیسازد. افشا و طرد سیاستهای سازشکارانه و مماشات جویانه و وظیفه تمام کمونیستها و نیروهای انقلابی و از جمله توده های انقلابی هوادار مجاهدین است. مجاهدین خلق میبایست با در پیش گرفتن خط مشی انقلابی و سازشناپذیر به مقابله با توطئه های ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی برخیزند. ما بهمراه تمام نیروهای انقلابی ضمن محکوم ساختن توطئه ها و عوام فریبیهای فرصت طلبانه رژیم جمهوری اسلامی از محاکمه سعادت، خواهان آزادی فوری مجاهد محمد رضا سعادت هستیم.

تلاش رژیم برای تخطئه ما هیت انقلابی نیروهای انقلابی، تیری است که به سنگ خواهد خورد. چه رژیم بعثت نیا زیرمبدا سلاحهای آمریکا ثی برای استفاده در جنگ ارتجاعی کنونی و همچنین سلطت شدید بحران اقتصادی ناشی از جنگ و شرایط قبل از جنگ، موجودیت خود را در خطر دیده و با سرکوب نیروهای انقلابی که ناشی از کینه طبقاتی اوست میخواهد براهی حتی گروگانها را آزاد سازد و با اتکاء به کمکهای مالی و تسلیحاتی امپریالیسم آمریکا خود را از بحران کنونی نجات دهد. اما این سیاستهای

بقیه از صفحه ۱۸ ملاحظیات...

فشودا لیا را میشناسد که میتواند ۲ هزار نفر جمع کنند و مسلح نمایند تا آنها علیه کمونیستها بجنگند! (به انقلاب اسلامی مورخه ۳۰ مهر رجوع کنید) آیا معلوم شد که این آقایان نه نماینده زحمتکشان بلکه نماینده ملاکین، سرمایه داران و دیگر مرتجعین هستند؟ و آیا معلوم شد که کمونیستها در کدام طرف قرار دارند؟

بقیه از صفحه ۲۷ ملاحظیات...

به مبارزه مسلحانه در برابر رژیم شاه و جسد نداشتن و اعتقاد به آن هم ضرورتی ندارد، ولی در برابر نیروهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم باید قاطعانه و مسلحانه ایستادگی نمود. هم اینجا و هم آنجا قانسون مبارزه طبقاتی عمل کرده است، آنجا مبارزه مسلحانه است و اینجا هم مبارزه با گلوله در برابر نیروهای انقلابی و زحمتکشان!

بقیة از صفحه ۲۶ شریعتا ..

را دیتنیا می کرده با شمس مجلس شورا میخواستند
امیریا لیسیم را ساندگرسه غا بدیه توده ها معرفی
کنند و قول و قرار امیریا لیسیم را سخوان بیروزی
خود بدیه شما را آورد .

بهمین خاطر هم هست که دیگر سخن ازنا بودی
امیریا لیسیم ، سحا کشا امیریا لیسیم و سوسور
آوردن امیریا لیسیم نیست . فقط جمهوری اسلامی
ما چرا ندا ز امیریا لیسیم آن قولی را طلب میکند
که ده ها سال است ، امیریا لیسیم آنرا داده و هرگز
شما چرا نگرفته اید . این قول ، آنست که از زینر
درنده جنگل قول بگیریم که ندرند ! امیریا لیسیم
بدون تحت سلطه در آوردن خلق های دیگری -
نوانده امیریا لیسیم است .

قول و قرار های دو موسوم هم گد سندی از
گروگانگی نگیری بود و امیریا لیسیم آمریکا در مقابل
جمهوری اسلامی ، متقابلا ۱۴ سلبارد دلار
موجود در بانک های امیریا لیسیم (که رژیم بسیار
انقلابی ایران !) در ده ها سال از قیام مجسم -
چنان آتیا را برای استفاده امیریا لیسیم در
آنجا مانی گذاشته بود .) را گروگان گرفته بود
تحریر ما تمامای سیز ما در بزرگ زیده بود . طبیعا
ما ده ها موسوم نه تنها بیروزی بر امیریا لیسیم
آمریکا نیست ، بلکه ما بدروسا می بیشتر رژیم
جمهوری اسلامی است . (در حقیقت در ماه دوم
سوم جمهوری اسلامی میخواستند وروا ساند مالدی و
اقتصادی را بد پیش از ۱۳ آبان ۵۸ برگرداند)
در مورد آخرین ماده ، نیز سوا می رژیم عیسایان
است . تا دنیا در حالیکه ما قرار داد های اقتصادی
سیاسی و نظامی علیه قتل از گروگان نگیری و
غیر عدنی سر از گروگان نگیری میلیاردها دلار
و غارت زحمت کشان ایران را بد حساب امیریا لیسیم
ریخته و اکنون نیز از امیریا لیسیم ما جز آنسه
درخواست میکنند بد تحریر ما قتلای یا آن دهد
تا بازاری سیستم ما به داری وابسته هر چه
کا منتشر شود ، میگویند دعوا بر سر اموال شاه را
ما رزه قطعی با امیریا لیسیم و نا بودی امیریا لیسیم
ما برزند و تا رده در آنجا هم دستمان رومیشود ،
ما ده ها راجعین است :

"ما زین دادن اسوال شاه و بدو ما بدرسیت
شما حق و نافعند استن اقدام درست ایران در
اعمال خاکبخت خود یعنی سر ما در اموال شاه
مردوم ... (میزان ۱۲ آبان)

این " ما " کا را خراب کرده است ! حتی
در این تنها برگ " سر شده " رژیم جمهوری اسلامی
نیز بد شروین عثمان میبندد . کاتی است
امیریا لیسیم اقدام رژیم جمهوری اسلامی را در
مورد " خاکبخت خود " بد رسیت ما ساند امیریا لیسیم
آمریکا در فریبنا مدهای بدن المللی که موسوم
به قرار داد های دیپلما تیک است ، همواره اعمال
حاکمیت همه کشورها را بر سمیت شما خندا است ،
بجز مواردی که این اعمال حاکمیت با قوانین

کسور دیگری در تضاد افتد کا رخرچنا بیتکا در این
مورد گفته بود که طرح دعوی جمهوری اسلامی
نتر این مورد را بر سمیت شما خندا و برای اشکات
حکامیت آن با بستی دادگاههای آمریکا ، نظر بدهند .
بدلاوه رژیم جمهوری اسلامی ، به تجوز یونا نه
و فریبکا را بدای از ادعا های بیخین خود مینسی
بر ما زگرداندن هوا یینا های آوا گرا از ریستان ،
بجا کمد جا سوسان ، غدر خواهی و توبدا امیریا لیسیم ،
اختصاصی به ما است وقت تلویزیون آمریکا برای
تبلیغات رژیم ... دست برداشته است ، بخاطر
آوردن ، جارجسالیهای همه جناح های رژیم را
مسنی سردر هم شکستن امیریا لیسیم آمریکا ،
واقعا که امیریا لیسیم در هم شکست !

والیسوقا تحت آنست که رژیم برای
بونا شدن بد دوست خود با امیریا لیسیم و سوس
گرفتن همه تبلیغات بیخین خود ، از فریب توده
- ها روی برمی گرداند . آیت الله خمینی برای
اینکه توده ها نفیمنند ، رژیم یکسال آتیا را فریب
داده و دوغ را دوشاب معرفی کرده بود ادعا
نیکند که : توسط جمهوری اسلامی آن بت بزرگی
کد برای ملذها تراشیده بودند ، شکسته شد . نقل
بختی از (میزان ۱۳ آبان) .

آن بت بزرگ را خلقیای قیرمان ویتنام ،
کا میوح ، کره ، لائوس و ... با نبرد مسلحانه
بخت رهبری کمونیستها در هم شکستند ، آن بت
بزرگ را خلقیای قیرمان ما با قیام خود سوسور
ضریات سکینی شما را بدند ، اما همین هیات
حاکمه ما نع ازنا بودی آن گریه ، آری کمونیست
- های ایران و جهان مالهاست گد این " بزر
کا غدی " را بد توده ها معرفی کرده اند . گروگانان
گرفتن ۵۲ جاسوس برای فریب مردم و سوسین بدو
بست با امیریا لیسیم و آزادی جاسوسها ، این بت
رانی شکند . نبرد قاطع طبقه کارگر و دیگرسر
رحمتکشان برای محوسر ما به داری وابسته و
رژیم جاسوسی ، این بت را در هم شکستند ، فریب -
کاری تا یکجاست که گدانی اسلحه از
امیریا لیسیم و به هزارا قرار داد های اسارتی آن
تن دادن ، روابط اقتصادی و بدنی کن حتما
سیاسی را توسعه دادن و بخاطر آن جاسوسها را آزاد کردن ،
در فرهنگ جمهوری اسلامی شکستن بت تلقی میشود !
حال که سیاسی خواستیای حضیر رژیم از
امیریا لیسیم ، شما ندهندد اوج مبارزه با مطلق
فدا میریا لیسیتی اوست ، توده ها خواهند گفت :
ما نبرد با امیریا لیسیم و نا بودی هر کس سلطه
سیاسی و اقتصادی را میثنا سیم ، ولی شما می -
خواهید تلاش برای رفع تحریر ما قتلای و یا قول
گرفتن از امیریا لیسیم را کد در اموال ایران دخالت
شکند ، ما رزه فدا میریا لیسیتی ما برزند !

توده های انقلابی میگویند : ما نا بسودی
امیریا لیسیم را طلب میگردیم ، ولی شما گرفتن
سلاح از امیریا لیسیم (که خلقالی بخوبی آنرا در
مباحثه با رادیو سوشل لوداد ، کیهان ۸ آبان) و ادامه

معاملات اقتصادی را مبارزه فدا میریا لیسیتی ما برزند !
شما وقتی جا سوسها را گرفتید ، عریده کشیدید
که تا نا بودی " شیطان بزرگ " ما ز شراخوا هیست
کرد ، اما اکنون پس از یکسال فریب ، توده ها ،
رجالی نخست وزیر " فدا میریا لیسیم " تا ن رابه
نورای امنیت میفرستید تا با تطهیرا میریا لیسیم
امریکا و جمعی دوستا پیش از آن ، مقدمات ماه غسل
خود را با آمریکا تدارک ببینید . واقعا که توده -
های انقلابی میهن در خوا هندیافت که آتیا
ما همواره گفته ایم صحت داده شده است . گروگانگیری
نه بر مبنای مبارزه با امیریا لیسیم ، بلکه برای
تفقه صابهای بنا حهای مختلف رژیم از یکسو
و فریب توده های زحمتکش از سوی دیگر بوده است
حزب جمهوری اسلامی (با بیتکا رخرده بورژوازی
مرفدستی) برای شکست وضعیشتن در قیام سال
لیبرالها و نیز بخصوص منحرف کردن مبارزات
توده ها از نبرد واقعی علیه امیریا لیسیم ، یعنی
مبارزه برای نا بودی سرمایه داری وابسته و
فدرت سیاسی حامی آن و متوهم تر کردن آنسان
نسبت بد حاکمیت خویش ، دست بد این عمل زدند
گذشته از ریز یونیستیا ، آن نیروهای
کمونیست تا بیگری که در ذهن خویش آنجینان
" فدا فدا میریا لیسیتی " ما ن حزب صبه - جوری
اسلامی و آمریکا با فته بودند که جنگ ایران و
عراق را نیز تلاش امیریا لیسیم برای سرنگونی
جمهوری اسلامی (و حتی سوسیالیزم) می -
دانستند ، اکنون در مقابل توده های انقلابی
با بدیا سخ گویند ، آن انحراف ریز یونیستی که
درکی ما درست نسبت بد مبارزه علیه امیریا لیسیم
را تبلیغ کرده و گروگان نگیری را بدون تریسم
بیا سستی که رژیم از آن دارد و نیز تا شبری که
بر جنبش توده ها میگذارد (و با متوهم تر کردن
توده ها ازنا بودی قطعی امیریا لیسیم جاسوس
میگیرد) . عقلی فدا میریا لیسیتی جلوه میداد ،
اکنون بیش از پیش با یستی افشا میشود . و
کمونیستها میبایستی به توده ها بگویند که
مبارزه واقعی علیه امیریا لیسیم ، یعنی نا بودی سرمایه
- داری وابسته و در هم کوبیدن ارتش و دولت حامی آن .
کمونیستها موظفند نزد توده ها ، شما می
تبلیغات دروغین رژیم را افشا کرده و نشان دهند
که جز فریب ، جز استنما ربا زهم بیشتر ز سر سلطه
سرمایه داری وابسته را این مبارزه ضد
امیریا لیسیتی نصیبی نبرده اند و در عوض رژیم
کوشیده است با استفاده از این جریان ، با بد
های ستم طبقه ای را بیشتر تحکیم بخشد .

رژیم البته خواهد کوشید ، فقط تحت آزادی
گروگانها را نیز بیروزی جلوه گر سازد ، ما
با یستی اهداف رژیم از گروگان نگیری و همچنین
آزادی گروگانها (یعنی کوشش برای نزدیکی
بیشتر به امیریا لیسیم) را هر چه بیشتر افشا
سازیم . هیچ چیز به انداز دنا نستن این حقایق
در هم شکستن توه توده ها نمیتواند موثر باشد .

نوطه های امیریا لیسیم آمریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم !

زندگینامه یک کمونیست، پیکارگر شهید، رفیق منوچهر نیک اندام

منوچهر در یک خانواده کارگری بزرگ شد. پدرش کارگر کاغذ را و صنعت نفت بود (در کلاسش نیمبیا می‌آورد طبقه‌های آنجا شد و میخواست بسته عنوان یک کارگر کاغذ را کند، اما تحت فشار خانواده آموزشگاه رفت و به مسجد مناسبت رفت. در آنجا بود که با رکیسم لنینیسم را بعد از آنکه از آنجا فرار کرد و به زندان طوقه‌ها را کردید. سبب آن انقلابی و "معدوم" رفیق موجب شد که توسط سبب او که دستگیر و تحت شکنجه قرار گیرد، اما سبب نبود مدرک و با رجوعی مناسب رفیق آزاد شد. آری از دست رژیم‌ها خارج شد. خلاصی یافت تا به دوران جمهوری اسلامی شهیدش گذشت. در مسجد مناسبت و در آنجا با آغا جاری سا زحمتکشان و دانش آموزان خود پیوندی انقلابی برقرار ساخت. دانش آموزان منوچهر، عمودها و راهبان و با عنوان یک انسان انقلابی که علم مناسبت و طبقه‌های را به آنسان آموخت بیاد خواهد دادند و خصلت‌های انقلابی را سرمشق خواهند کرد. رفیق منوچهر فعلا لایحه در سال ۵۷ با نهدی اعتصابات معلمین در سال ۵۷ برای ارتقای درجه‌ها و خالصت شرکت کرد. در همین هنگام (یعنی قبل از انقلاب ۵۷) نظرات سازمان پیکار را پذیرفت و از آن پس در این سنگر طبقه کارگر به مبارزه با رژیم شاه و خودادامه داد.

نام: منوچهر
تاریخ تولد: ۱۳۳۵
محل تولد: آغا جاری
شغل: معلم
ایدئولوژی: مارکسیست - لنینیست و از مسئولین تشکیلات سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و آغا جاری.
دستگیری: ۲۹ مهر ۵۹
محاكمه: بیدادگاه صحرایی خلخال جلا د
تیرباران: سحرگاه سوم آبان ۵۹ در میان تکه آغا جاری
جرم: وفاداری به زحمتکشان

کمز و یکطرف سرش متلاشی شده بود. ارتجاع می‌اندیشد می‌تواند با قطع سر و سررازی چون منوچهر، جنگل سرسبز انقلاب را که پراز سوره‌های دیگر است قطع کند، اما بی‌پوده می‌اندیشد، دیر نیست تا زحمتکشان میهن اشتقا م‌خون شهیدانشان را از ارتجاع و امپریالیسم بگیرند.

اعدا میکنند، اما با ساداران ارتجاع با زور و با دندان تفنگ آنان را از آنجا خارج کردند و سحرگاه سوم آنان رفیق منوچهر را تیرباران کردند. وضعیت اجساد شهیدانشان میداد که بسیار کینه‌زنده! لوصفی تیرباران شده بودند، با تیرهای اول شهید نشده و در خاک غلطیده بودند. سرخلاهی رفیق منوچهر را در خرطوری زده بودند

پیامی برای عزیزانمان بهرنگ، مهرنوش، شراره

آنان را دشمنان طبقه کارگر کشند، رژیم جمهوری اسلامی بخاطر حفظ منافع امپریالیسم و استعمار و غارت زحمتکشان این سطله‌های پر - فروغ آگاهی را خاموش کرد، تا شاید به خیال باطل خود مانع آگاهی توده‌ها شود، اما عزیزان! هرگز بجزم‌سرخ مبارزات انقلابی بر زمین نیفتاده است و با مبارک شهید، انقلابیون دیگری این پرچم را بردوش گرفته‌اند. آری پدران نشان را جمهوری اسلامی این حکومت سرمایه‌داران و این حافظان منافع امپریالیسم کشند، پدران نشان از این سیستم پوسیده و ارتجاعی متنفر بودند، شما نیز با کینه بزرگ خواهید شد، با کینه نسبت به فاشلان پدران، اما این سیستم پوسیده تنها پدران شما را نکشته است.

عزیزان کوچکمان! شما هنوز خیلی کوچک هستید که نتوانید بدوهای قهرمانان را در کمر کنید و بسیار نیز اکنون خوب در نخواهید یافت، اما ما این بسیار برای شما و همه عزیزان دیگری که ارتجاع و امپریالیسم در همان کودکی، شریک در کاشان ریخته است، تقدیم میکنیم. وقتی بزرگتر شوید حتما این بسیار بخوشی درک خواهید کرد.

اول از پدران نشان بگوئیم: آنها انسانهای جدیدی بودند، انسانهایی که ما آنها را انسان طراز نوین، انسان لنینیست، انسان کمونیست میخوانیم، حتما ما در آن دلاورتن و دیگر اقوام از خصلت‌های پاک و حماسه‌ای آنها برای انسان خواهند گفت و شما نیز حتما آنان را سرمشق قرار خواهید داد.

ارتجاع و امپریالیسم هزاران کودک کرد را بی بدر کرده است، دهنها کارگر بیکار را در تظاهرات حق طلبان نشان به شهادت رسانده است و دهها دانشجوی انقلابی را شهید کرده است... آری شما بزرگ خواهید شد، اما با کینه‌های بزرگ نسبت به ارتجاع و امپریالیسم. شما وقتی بزرگتر شوید، خواهی فهمید که این کینه‌نمایی تنها بخاطر زدن پدران نشان باشد، بلکه با بدبختی طرز همه‌جانبی با شکر قهرمانان طبقات استعمار رکننده بر زحمتکشان و رنجبران وارد کرده‌اند. شما بزرگ خواهید شد و به پدران نشان افتخار خواهید کرد، چرا که آنها جزء بهترین انسانهایی بودند که در تاریخ پیدا میشوند. وقتی بزرگتر شوید، بهتر درک خواهید کرد که چرا کمونیست‌ها اینقدر شجاع، فداکار و در راه

زندگی پدران نشان، وقف مبارزه برای رهایی زحمتکشان شد، ما کمونیست‌ها معتقدیم که روزی زحمتکشان بر سرشود خود را کام می‌شوند و سرمایه‌داری، فقر، ظلم و تیرباران انقلابیون و خفقان و سرکوب برای کارگران را خاتمه خواهد بخشید. پدران شما، از بنا کنندگان جامعه‌سرخ و زیبای فردا بودند و خونشان را بر روی مردم کمونیست‌ها ریختند، برجی سرخ با داس و چکش و ستاره‌ای که وقتی بزرگ شوید، شما نیز وظیفه دارید آنرا بدوش بگیرید و به پیش بسوی فردا بروید.

(*) - بهرنک (۲ ساله) و شراره (۶ ماهه) فرزندان پیکارگر شهید منوچهر نیک اندام و مهرنوش (۱/۵ ساله) فرزند پیکارگر شهید محمدا شرفی است.

پس از قیام و در سال‌های مبارزات معلمین برای تهیه مسکن فعلا شرکت کرد. و در هدایت اعتصابات و تشوین‌های معلمین تا ایجاد دشواری معلمین نقش بارزی ایفا کرد. جمهوری اسلامی که از مبارزات رفیق و اقدامات آگاهانه‌اش میترسید، هر روز او را به یک جای دیگر منتقل میکرد و عاقبت نیز او را در لیست با کسای قرار داد.

رفیق دا رای همسر و فرزند (بهرنگ) و شراره) بود، رفیق که میخواست یک کمونیست سازش با پذیر معروف شده بود، همواره چون خاری در چشم ارتجاع بود و ارتجاع بدینال غیرمتسی بود تا رفیقان را از خلق جدا سازد. بخشش اعلامی سازمان پیکار در سوریه جنگ در آغا جاری بهای‌های شکر رفقایی شناخته شده دستگیر کردند. رفیق علیرغم شکنجه‌های جسمی و روحی فراوان در زندان و دادگاه، قهرمانانه از آزمون سرخس دفاع کرد. همسر رفیق پس از دیدن همسرش در شب تیرباران تعریف کرده بود:

"از من منوچهر و محمد را زده بودند منسبت نشناختم نوراً شوهر مرا شناختم، از او پرسیدم با تو چکار کرده‌اند، گفت پس از شکنجه محاکمه شد و موبدون بازجویی بسته اعدا محکوم شدم، با ساداری که در آنجا بود گفت: خیر! از اعدا مخبری نیست. منوچهر گفت به حرف‌ها گوش نکن خوشرو محکم باش دشمن به ما کینه‌ها را در و رحم نخواست، ما هم‌نیا پیدا و رحم کنیم، مبارزه طبقه‌تسی یعنی بی‌رحمی نسبت به دشمن"

همسران رفقا، منوچهر و محمد پس از این ملاقات میگویند که خاطریه ترک پیدا دگساره نشندند، با پدران را نیز همراه شوهرانشان

زندگینامه یاک کمونیست: پیکارگر شهید رفیق محمد اشرفی

نام: محمد علی **شهرت: اشرفی**
تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۷/۱ **محل تولد: آغا جاری**
شماره شناسنامه: ۴۸۶ **محل اقامت: آغا جاری**
شغل: کارگر شرکت نفت (پتاژگی کارمند شده بود)
ایدئولوژی: مارکسیست - لنینیست و مسئولین تشکیلات سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و آغا جاری
دستگیری: ۲۹ مهر ۵۹ **محل محاکمه: بیدادگاه صحرایی خنخالان جلاد**
تیرباران: صحرگاه سوم آبان ۵۹ در میان کوه آغا جاری
جرم: وفاداری به آرمان زحمتکشان

محمد در یک خانواده کارگری بدنیا آمد. کلاس ششم ابتدایی درس خواند و سپس به آموزشگاه حرفه‌ای شرکت نفت رفت. سپس جزئی از طبقه کارگر صنعتی ایران گشت. رفیق دارای روحی حساس بود و تقریباً یک مترمندا رکبست. نیز بحساب میامد. رفیق در زمان شاهدوبیا توسط ساواک دستگیر شد. یکبار با ترس ختن فیلمی از وضع زندگی زحمتکشان آغا جاری و بار دیگر در ارتباط با دستگیری یکی از رفیقانش، اما پس از مدتی در هردوبیا ساواک وی را آزاد کرد، چرا که لب‌اسرا رگوش آنجا بستند و در رژیم شاه‌ها شنیدی بدخود می‌رزدت رفیق نبرد. در سال ۵۷ هنگام نبرد علیه رژیم شاه‌ها لانه در اعتصاب کارگران شرکت نفت شرکت کرد و از سازماندهندگان این اعتصاب‌ها سی بود او در میان کارگران دارای وجهه و پایه وسیعی بود و با آنکه کارگران از کمونیست بودن او مطلع بودند، او را به عضویت شورای مرکزی انتخاب کرده بودند.

رفیق محمد نیز مانند منوچهر از فعالان تشکیلات پیکار در آغا جاری بود و هردوی آنها چهره‌ها نمایندگان انتخابات مجلس و چهره‌ها می‌بیل خوزستان فعالان شرکت داشتند. مردم "سرکوره‌ها" (۵ کیلومتری ماهشهر) رفیق را حتماً بیاد دارند که چگونه فعالان لانه در هنگام میل بیساری زحمتکشان آمده بود (در جریان سیل رفیق محمد مسئول جا در آمدن سازمان پیکار در سرکوره‌ها و رفیق منوچهر مسئول ارتباطات آمدن بود). رفیق محمد در آموزش ارتجاع به‌هواداران سازمان در ۲۹ و ۳۰ مهر، دستگیر شد. این دستگیری در

آرمان سرخ طبقه کارگر جانبا زوا خود گذشته‌اند. شما بزرگ خواهید شد و حتماً راه‌ها پیدا ننتان را خواهد پیمود. این تنها راهی است که به نا بودی ستم‌طبقه‌ی ورنج زحمتکشان جهان ختم خواهد شد. فردا شما برای نابودی آن طبقه‌ی با پدمبارزه کنید که پدران شما و بیساری از پدران فرزندان دیگر را در چپا رگوشه‌ها جهان به شهادت رسانده‌اند.

اگر چه غم‌زدست‌اند پدرانانتان آنهم در این سنین کودکی بسیار سخت‌است، اما عزیزان با ید همیشه سرها ییتان را افراشته بگیرید و بسا افتخار به همه بگوئید فرزندان دلاور چه کسانسی هستید، بگوئید که پدرانانتان برای فردای سرخ زحمتکشان رزمیدند و بگوئید پیروزی از آن آرمان سرخ پدرانانتان است.

دستان بسیار کوچکتان را می‌فشاریم در انتظار رگامهای حکمتان در راه پدران قهرمانانتان هستیم. سازمان ما مصمم‌تره‌ا سرخ پدران شما را ادا خواهد داد. وفاداری شما نیز به آرمان آنها، تنها با ادا راه پدران قهرمانانتان امکان پذیر خواهد بود!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

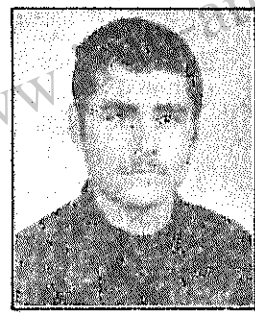
این شرط جان‌ها تحویل شد که در قبرستان شهر نیابیدند شوند، چرا که کافر و وحش هستند! خانوادها ی محمد و منوچهر، جان‌ها فرزندان دلیران را در ده کیلومتری ایدیه در یک روستا کدویشان محمد در آنجا زندگانی میکردند، دفن نمودند. آری، رژیم جان‌ها شهیدان نیز می‌تیرسد...

با افتخار بربراد سرخ رفیق محمد اشرفی یادش را گرامی می‌داریم و سوگوشتان می‌خوریم که راهش را تا تحقق آرمان سوسا لیسما ادامه دهیم.



ارتباط با موضع انقلابی و کمونیستی سازمان در ارتباط با مسئله جنگ بود و رفقا دلاورانه مسئله از موضع سازمان در زندان و زیر شکنجه دفاع کردند و همواره به آلمان برولتاریائی خود وفادار ماندند. رفیق محمد در کنار منوچهر تیرباران شد. بعد از اعدام جان‌ها تان را به بیمارستان شرکت نفت در ایدیه بردند. قبل از آوردن جان‌ها بیمارستان را تعطیل کرده، آنرا محاصره نمودند و کارگران بیمارستان را بیرون فرستادند. آنها تا ۲۴ ساعت جان‌ها را به خانوادها ی شهیدان تحویل ندادند و سپس با

پیکارگر شهید حسین نورانی در جبهه به شهادت رسید



خاطره
پیکارگر شهید
حمید
راگرامی
بداریم

برادر خیم‌پاره‌های رژیم ضد خلقی عراق، رفیق حسین نورانی، پیکارگر کمونیست و از هواداران سازمان به شهادت رسید. رفیق در حین شهادت مشغول انجام وظایف سازمانی بود. رفیق در طی دوران جنگ فعالان برای افشای جنگ غیر-عادلانه کنونی فعالیت داشت. ما زندگینامه رفیق شهید را در شماره‌های بعد خواهد آورد. قافله سرخ شهیدان در راه آرمان سوسا لیسما در جبهه طبقه‌ی پایانی نخواهد داشت!

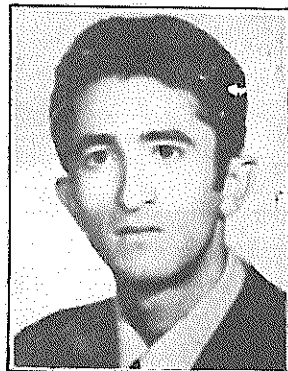
رفیق پیکارگر حمید از رفقای سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان پیکار در جنوب در جریان یک تظاهرات با ماشین پاداران شهید شد. ضمن گرامی‌داشت خاطره رفیق حمید مشروح جریان شهادتش را متعاقباً به اطلاع خواهیم رساند.

بقیه از صفحه ۲۴ یاد...
 صورت گرفته، از مبارزات رفیق که تا آخرین قطره خون لحظه‌ای دست از مبارزه علیه امپریالیسم و وابستگی داخلی اش نکشید و در این راه سرخ شهید شد، یاد می‌کنیم و آنرا گرامی می‌داریم. رفیق که با رها نوا نسته بود از جنگ بی‌سراسر کند (از جمله در آبان سال ۵۴ در خیابان شیوا با مزدوران ساواک بطور مسلحانه درگیر شده و موفق به فرار شد). او یکسال بعد در ۲۵ آبان ماه سال ۵۵ در همان خیابان در یک درگیری مسلحانه به شهادت رسید.

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...
 علیه شاه امپریالیسم آگاه و متشکل کند، او می‌دید که توده‌ها برای یک تومانی از فاه دستمزد مبارزه میکنند، طبعاً این آثار ریشتم تبلیغ کمونیستی حول این نیاز مشخص توده‌ها را انجام میدهد. و نه تنها حول نیازهای اقتصادی بلکه نیازهای سیاسی توده‌ها نیز افاشاری نمی‌کند. او نمی‌گوید جانیات رژیم شاه را هرنگام که تفاق می‌افتد توده‌ها نیاز دارند چگونه وا قعر را دریا بند، به توده‌ها نشان دهد و موج جانیات را به موقع گرفته و جلوی توده‌ها افشا نماید. او نمی‌گوید تا توده‌ها را ضمن همین افشا گریها مورد آموزش قرار دهد. و بدین ترتیب نمیتوانست توده‌ها را ارتقاء دهد و برای انقلاب آماده نماید.



چهارمین سالگرد شهادت رفیق محمد حاج شفیعیها را گرامی می‌داریم



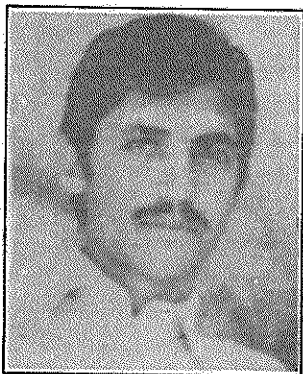
در آخرین هفته آبان ماه سال ۵۵ بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران، یکی از انقلابیون فداکارا که سالها در راه انقلاب دمکراتیک و فدا میریالیستی توده‌های تحت ستم میهن ما به مبارزه برخاسته بود، از دست داد. رفیق محمد حاج شفیعیها در آن سالهای سیاه که معیار مبارزه و انقلابی بودن در میدان‌های سخت نبرد محک زده میشد، در یکی از خباثینهای تهران بدست جلادان رژیم شاه به شهادت رسید.

رفیق در سال ۱۳۲۸ در تهران متولد شد و پس از تحصیل در دبیرستان شریعتی (پهلوی آن زمان) وارد دانشکده پلی تکنیک تهران شد. در سال ۵۰ برای در بزرگتر رفیق، شهید مرتضی که دانشجوی دانشکده شیراز بود، به اتفاق یک دانشجوی دیگر در اثر انفجار بمب شهید شد. برخلاف ادعای رژیم که اعلام کرد آنها در حال ساختن بمب شهید شده اند، رفیق محمد معتقد بود که ساواک در اطاق او بمب گذاشته است.

پس از این حادثه رفیق محمد در دانشکده خود دست به افشاکاری وسیع زده و سپس برای ادامه مبارزه انقلابی مخفی شد. رفیق باید بپذیرفتن علم‌رسانی زحمتکش و گرویدن به ما رکنیم - لتینیسم در بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق به فعالیت‌های انقلابی اش ادامه داد و در یکی از مبارزین فعال در بخش کلگری سازمان بود در انتساب تشریح کارگری "قیام کارگر" نقش ارزنده‌ای داشت یا در رفیق و هم‌زمانی، تحلیل از مبارزه فرزندان راستین خلق و تجدید عهد با آرمان مبارزینی است که با مرزبندی با سازتکاری و دور از صفا بگری‌های سیاسی در راه دشوار انقلاب قهرآمیز توده‌ها به بیگانه‌ها ستوه و اعتقادات خود را با عمل انقلابی درآمیختند، ما با بزرگداشت یا در رفیق شهیدمان به آرمان او کسسه پیروزی سرخ‌رهای زحمتکش را نوید میدهد سوگند می‌خوریم که با تمام توان خود مبارزه طبقاتی را بر علیه کلیه دشمنان طبقاتی کارگران و دیگر زحمتکشان و در کنار آنان تا سر منزل پیروز - مندرش به پیش ببریم .

باش گرامی ما!

یاد رفیق شهید بهرام آرام را گرامی می‌داریم



سخن از یاران شهید و گرامی می‌داشت مبارزه انقلابی رفقا ئی که سالها با عشق به انقلاب توده‌ها علیه رژیم و وابسته‌ها و امیرالیسیسم مبارزه کرده و در راه آرمان والای زحمتکشان به شهادت رسیده اند، تجلیل از انقلاب است. در سالی که از مبارزه می‌گذشت، شکستها، پیروزیها کمی و کاستی‌های این مبارزه گرفته می‌شود ما را در ادامه راه سرخ انقلاب و بویژه در پیشبرد پیروزمندان مبارزانمان یاری می‌دهد.

رفیق شهید بهرام آرام از انقلابیون بود که از آغاز جوانی همه‌توان خود را در خدمت رهای زحمتکشان و مردم تحت سلطه میهن ما قرار داد. رفیق به همراه مجاهدین شهیدان حمدرفا ئی و حبیب رهبری در یک گروه مبارز مذهبی فعالیت میکرد. این شهید در سال ۴۸ به عضویت سازمان مجاهدین خلق درآمدند. شور و توان انقلابی رفیق، از آتجنان کار در کارآمدی ساخته بود که پس از تنها جسم و حشیا نه جلادان رژیم شاه به سازمان مجاهدین خلق در شهریور ۵۰ توانست در نجات بقایای سازمان زمان نقش تعیین کننده‌ای ایفا نماید. پس از دستگیری عده‌ای از مسئولین و کارمندان سازمان بویژه مجاهدین شهید مشکین فام، بدیع - زادگان و حنیف نژاد، سازمان عملاً در هم ریخته

۲۶ سال از شهادت دکتر حسین فاطمی می‌گذرد

دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه دکتر مصدق و مدیر شجاع روزنامه "باختر امروز" که بیرحمانه جنایات دربار منفور پهلوی را افشا میکرد، در ۱۹ آبان ماه سال ۱۳۲۳ در حالیکه ۴۰ روز از اعتصاب غذای او می‌گذشت با تنی تپان بدست مزدوران امیرالیسیسم تیرباران شد. دکتر حسین فاطمی مبارزترین عضو دولت مصدق بود که در مهرومومک‌های سلطنتی نقش مهمی داشت و به علت افشاکاریها و مبارزه اش علیه خاندان کشف پهلوی هدف شوطه‌های گوناگون ارتجاع بود و بخاطر همین مبارزه بود که هدف مخالفینهای آیت الله کاشانی نیز قرار داشت و از سوی "فدائیان اسلام" هنگامی که بر مزار شهید ۳۰ شیرخنرا ئی می‌کرد در معرض ترور قرار گرفت ولی جان سالم بدر برد (۱). او پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ دستگیر و پس از تحمل شکنجه‌های فراوان در راه دفاع از استقلال و آزادی میهن به شهادت رسید. موضعگیری شدید و علیه انگلیس و دخالت امیرالیسیسم در امور ایران و ضدیت او با دربار شاه و رایعنوان چهره مکررات کابینه مصدق در تاریخ ایران جاودانه می‌سازد.

باش گرامی ما!

بود. رفیق بهرام در این زمان در کناره‌ها هدین شهیدان حمدرفا ئی با تلاش بیگسرا زمان را از بحران تلاشی خارج ساختند. رفیق در آن سالهای خفگان که کارها و اعضای سازمان تحت پیگرد فاشیستی گشتی‌های پلیس و ساواک قرار داشتند با روحیه‌ای مقاوم و تحمل سختیها، آنها را کمک و یاری میکرد و به آموزش سیاسی و نظامی آنان به همت می‌گماشت و با تحمل دشواریهای فراوان به وظایف خود در رهبری تشکیلات پیگیران ادامه داد. و با رها توانست با هشیا ری از دام مزدوران ساواک جان سالم بدر ببرد. قائلینت‌های مبارزانی و توانائی‌های انقلابی وی، رفیق بهرام را در مرکزیت سازمان قرار داده بود. او در جناح‌ها و در مشی انقلابی (هز چند خردده پیروزی) جریکی در نقش فرماندهی مشورتنی در کلیه عملیات مهم نظامی سازمان بر علیه رژیم شاه و امیرالیسیسم در پیشبرد سازمان ندهی مبارزات انقلابی سازمان شرکت فعال داشته از جمله بین فعالیت‌های انقلابی، اعدا م انقلابی مستشاران آمریکا ئی، اعدا م سر تیپ زندگی پور (رئیس کمیته مشترک ساواک - شهربانی) انفجار رهبردار ی شمیران نو (که در انهدا مخانه‌های زحمتکشان بر سرشان نقش فعالی داشت) و... را میتوان نام برد. نفی مشی غیر پرولتری جریکی نمیتواند ما را به نفی مبارزه انقلابی فرزندان جان برکف خلق که با توانی ارزشمند به سازمان ندهی سازمان نهایی انقلابی آن زمان می‌پرداختند و او دارد. توان و قدرتی که در ادامه خود و بسا برخورداردی انتقاد و طرد مشی غلط توانست سازمان را در خدمت پرولتاریا و اهداف او قرار دهد.

رفیق بهرام در جریان تغییر و تحولات درون سازمان در موضع رهبری نقش مهمی داشت و به همین جهت ما در برخورد به این دوره از عملکرد "بخش منشعب" با اشتها ها ت رفیق نیز مرز بندی کرده و انتقاد انقلابی از رفیق را بعنوان فردی موشرا زکا در رهبری فرا موش نمیکنیم (به اطلاعیه مهر ما ۵۷ و تحلیلی بر تغییر و تحولات درونسی سازمان مجاهدین - فروردین ۵۸ - مراجعه کنید) ما با آگاهی به این نکته که این اشتهاها - هر چند که اثرات بسیار زیانبار را وارد در جریان یک مبارزه انقلابی علیه امیرالیسیسم و رژیم ارتجاعی شاه و در درون جنبه انقلاب

کمکهای مالی دریافت شده

نهران:	م	ز	الف
الف	۸۶۶۰	۲۶۲۱۰	۶۰۰۰
ب	۵۵۰۰	۲۷۵۰۰	۲۲۰۰۰
ج	۶۰۲۰	۷۵۰۰	۱۱۰۰۰
د	۷۳۰۰	۴۵۰۰	۱۱۰۰۰
هـ	۵۸۰۰	۲۰۰۰	۱۱۰۰۰
و	۲۶۵۰۰	۶۳۰۰	۱۱۰۰۰
ز	۱۶۰۰۰	۸۵۴۰	۱۱۰۰۰
ح	۲۳۶۰	۵۰۰۰	۲۰۰۰
ط	۲۱۰۰	۲۷۰۰۰	۳۰۰۰
ث	۱۴۹۰۰	۱۵۰۰۰	۷۵۰۰
ج	۱۴۴۰۰	۷۰۰۰	۱۰۰۰۰
د	۱۱۱۱۰	۲۲۰۰	۱۰۰۰۰
هـ	۹۰۰۰	۲۴۰۰	۱۰۰۰۰
و	۷۸۰۰	۱۱۰۰۰	۷۰۰۰
ز	۲۴۰۰	۱۵۰۰	۱۰۰۰۰
ح	۴۳۰۰	۱۵۰۰	۱۰۰۰۰
ط	۲۷۰۰	۳۰۰	۱۰۰۰۰
ث	۱۲۵۰۰	۲۲۰۰	۱۰۰۰۰
ج	۷۵۶۰	۲۵۰۰	۱۰۰۰۰
د	۲۳۷۴۰	۲۲۵۰۰	۱۰۰۰۰
هـ	۲۱۰۰۰	۶۴۲۰	۱۰۰۰۰
و	۵۰۰۰	۶۴۰۰	۱۰۰۰۰
ز	۴۴۰۰	۴۰۰۰	۱۰۰۰۰
ح	۴۴۰۰	۶۳۰۰	۱۰۰۰۰

تهران:

- ۱- رفقای هواداران اقلیت سازمان جریکهای فدائی در کرمانشاه: کمک شما شامل لباس، پتو و... بدست بیشمرگان رسید.
- ۲- رفیق س ۵۰۰۰۰ ریال جهت پوشاک بیشمرگان
- ۳- رفقای محلات شرقی برای کردستان ۱۰۰۰۰ ریال
- ۴- رفیق س (بزنک) ۵۰۰۰۰ ریال
- ۵- رفقای چاپ ۵۰۰۰۰ ریال
- ۶- رفیق م ۲۰۰۰۰۰ ریال و لباس برای بیشمرگان
- ۷- رفیق سرباز وظیفه ۶۰۰۰
- ۸- رفیق فرا مرز - ح ۱۰۰۰
- ۹- رفیق س - م - ۲۰۰۰۰
- ۱۰- رفیق امیر هدیه ات رسید.
- ۱۱- رفیق عاطفه ۱۰۰۰۰۰۰ ریال
- ۱۲- رفیق کارگر - الف ۱۲۰۰ ریال
- ۱۳- رفیق سرباز نصف حقوق ۱۱۵۰ ریال
- ۱۴- رفقای هواداران - م - ف ۵۰۰۰ ریال

شیراز:

- ۱- رفیق زندانی ۱۰۰۰ ریال
- ۲- رفقای دانش آموز ۱۱۰۰۰ ریال
- ۳- رفقای دانش آموز ۳۶۳۰۰ ریال
- ۴- الف - م - م - ۲۰۰۰۰ ریال
- ۵- الف - م - م - ح ۲۰۰۰ ریال

کرج:

- ۱- هواداران سازمان در کاخ نفع ۷۰۰۰ ریال
- ۲- معلمین هواداران ۱۷۰۰۰ ریال
- ۳- آمرینیا (الف - ل - م) ۳۰۰۰۰۰ ریال
- ۴- دیپلمه های بیگار هواداران ۲۰۰۰۰ ریال
- ۵- هواداران در زوراباد ۲۰۰۰۰

تبریز:

- ۱- رفیق کشفاب ۵۰۰۰ ریال
- ۲- رفیق کارگر کتور سازی ۲۰۰۰ ریال
- ۳- غ - م - ۳۰۰۰ ریال
- ۴- رفقای هواداران ۱۰۰۰۰ ریال
- ۵- رفیق ق - زازاردیل ۵۰۰۰ ریال

بندرانزلی:

- ۱- رفیق سید ۲۹۰۰۰

برنامه نویسی برای جنبش دانشجویی خارج عراق همگشت. پس از قیام مسلحانه توده های بیمن ما در باره رگشت عده کثیری از رفقای انقلابی و با تجربه جهت ادا مه مبارزه در ایران و توهتم نسبی توده های دانشجویی جمهوری اسلامی حرکت این جنبش به کنده گرا شد.

رهنمودشماره مورد ایجاد تشکیلات دانشجویان - م - ل که بعنوان سرمترتین وظیفه دانشجویان کمونیست در این مرحله از انقلاب و بعنوان مبحثترین آلترنا تیف جهت تبلیغ و ترویج ایدئولوژی - م - ل در بین توده های دانشجویی پرورش و ارتقاء سطح آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک و سازماندهی آنان در راه آرمان والای زحمتکشان و در راستای طبقه کارگر و زحمتکشان است. ما سعی خواهیم کرد که در حد توان خود در اجرای رهنمودها فی که توسط شما رفقای انقلابی ارائه میگردد کوشا باشیم و با شکوهی به مسائل جنبش دانشجویی سهم کوچکی از وظایف نیروهای کمونیستی را در جنبش خلق بعهده گیریم.

مرگ برای میریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

مرگ برای میریالیسم و ارتجاع داخلی! مستحکمتر با دیپوند جنبش انقلابی دانشجویان با جنبش انقلابی توده ها! پیروزی و دمبارزات دیگران استیک - خدا میریالیستی خلقهای ایران به رهبری طبقه کارگر!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور هواداران "سازمان بیگار در راه آزادی طبقه کارگر"

۱۳۵۹/۷/۱

۲- رفیق فرهاد ۵۰۰۰۰

۳- رفیق آریا ۳۰۰۰

بوشهر:

- ۱- رفقای هواداران ۲۵۰۰۰ ریال
- ۲- م - پ (دانش آموز) ۵۰۰ ریال

بندرانزلی:

رفقای هواداران ۸۰۰۰۰ ریال

لالی:

رفیق ع ۲۰۰۰ ریال

خرم آباد:

رفقای هواداران ۷۰۰۰ ریال

بروجرد:

رفقای هسته دانش آموزی (درفش) ۳۰۰۰

اصفهان:

رفیق ش - د هدیه ات رسید

رفیق هواداران در ریالینگاه ۱۰۰۰۰۰ ریال

رفیق (کارمند) ۲۵۰۰۰

رشت:

رفیق خیاط ۱۰۰۰ ریال

سندج:

رفقای هواداران ۴۰۰۰

مادرینکی از بیشمرگان ۶۰۰۰۰

رفیق کارگر ۵۰۰

رفیق دانش آموز ۵۰۰

رفیق کارمند ۱۰۰۰ ریال

رفقای هواداران ۵۰۰۰۰ ریال

بقیه از صفحه ۱۱ گزارشی...

سپتامبر آغاز رکود و موفقیت در روز ۲۲ سپتامبر پایان داد. از دستاوردهای این سپتامبر می توانیم به موفقیت و تشکیل "اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور" هواداران سازمان بیگار در راه آزادی طبقه کارگر" بود.

رفقای!

جنبش رویه اعتدالی خلقهای قهرمان ایران که از بحران عمیق سیاسی - اجتماعی - اقتصادی میهن ما ناشی میشود، همچنان ادامه دارد. حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نیز که سنا بسر - ما هیش نه میخواد و نه میتواند دنیا سخگسوسی نیارهای توده زحمتکش میهن ما باشد، و جگری مبارزات زحمتکشان را بدنبال داشته و ایسین مبارزات در ادا مدخودیه سیل بنیان کنی تبدیل خواهد شد که بساط سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را در هم خواهد کوبید.

رفقای انقلابی!

جنبش انقلابی دانشجویی در خارج از کشور که در طی سالهای گذشته با مبارزه بی امان علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه خا شن، در روند رو بر بند خود با رهنمودهای سازمانهای انقلابی داخل در مرحله اول قادر گشت تا از زیر بار رند - و ابورتونیسم راست حاکم بر سازمانهای سیاسی خارج بیرون آید. اما سلطت ضعف جنبش کمونیستی ایران و سلطت مشی غیر بیرو لتری چریکی بر این سازمانها بحشهای سهمی از آن به جریا نهسای پشت جبهه ای تبدیل گردید. نزد دنا رکسیستی پشت جبهه اشکوفائی استعدادها کاست و مانع از ایجاد صف مستقل دانشجویان - م - ل در میان توده های دانشجویی خارج گردید.

اما با رد و نقد کمونیستی - لنینیستی این تروتسک شار رفقای انقلابی امکان ارائه

بقیه از صفحه ۱۲ جنبش...

مبارزه خلق کرد، جزئی از مبارزه ملی و طبقاتی خلقهای ایران بر علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم در عالیترین شکل خود می باشد جذب شدن اقشار وسیعی از دهقانان و زحمتکشان شهری به طرف نیروهای انقلابی بویسب - کمونیستها در کردستان از وجود شرایط انقلابی وحدت مبارزه طبقاتی حکایت میکند. کمونیستها با بدبا تماموا در جنبش مقاومت خلق کرد بر علیه رژیم حاکم شرکت نمابند و شرکت آنها با بدبا هدف سازماندهی نظامی - سیاسی مبارزه خلق کرد و گسترش آن به سایر مناطق و جلایب پشتیبانی طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر ایران از خلق کرد انجام گیرد. کمونیستها نباید فراموش کنند که بویسب در شرایط جنگی کنونی لبه تیز مبارزه خلق کرد، باید ارتجاع حاکم و بورژوازی خودی را هدف قرار دهد. ما در توضیح موضع مشخص جنبش مقاومت خلق کرد در قبال جنگ ایران و عراق در فرصت دیگری بحث خواهیم نمود.

شرایط مجلس برای آزادی گروگانها: هیاهوی بسیار برای هیچ

شرایط مجلس شورای برای آزادی گروگانها بالاخره اعلام شد، این شرایط بسیار زلتر را حتی آن چیزی است که بنظر می آید. شرط اول را البته امیرالیمیرا لیسما آمریکا همواره در همه معاهده های بین المللی امضا کرده است (ماده اول اینست که آمریکا قول بدهد در مورد اخلی ایران دخالت نخواهد کرد.) ولی همسواره امیرالیمیرا لیسما بر ما هیت طبقا تیش، وحشیا نه خلقهای جهان را استثنا ر، غارت و سرکوب نموده است. قولی که مجلس از امیرالیمیرا لیسما خواهد بگیرد، در حقیقت خاک با شیدن به چشم توده ها است. کمونیستها به توده ها میگویند که امیرالیمیرا لیسما بر ما هیتش، توده های جهان را استثنا روکشتار میکند و اما مقرأ را ده های امیرالیمیرا لیسما، ورق با رها می بیش نیستند زمانی امیرالیمیرا لیسما در مورکشورهای دیگر نمی تواند مدعا بکند که سطرها و را در کشور خود بنا بود کرده و از ما رزه خلقهای دیگر نیز در این

بقیه در صفحه ۲۵

یادداشت های سیاسی هفتگانه

بنی صدر هم که از مدت ها پیش حتی ناخوش در اخبار تلویزیون پس از نا مر جاتی و یا برخی آیت الله های آمد اعلام کرده با صدا و سیما جمهوری اسلامی دیگر معا حبه نخواهد کرد. (میزان ۱۲ آبان) اختلاف میان لیبرالها و حزب کمپسوری آنچنان بالا گرفته است. که لیبرالها تماما بنی صدر، رئیس ستاد ارتش، فرمانده نیروی زمینی، وزیر دفاع و جمران، در جلسه شورای عالی دفاع در ۹ آبان شرکت نکردند. در عوض "حزبسی ها" نیز بدون شرکت لیبرالها در این جلسه، قانونی وضع کردند که به آنها اجازه می دهد دست به توقیف نشریات لیبرالها بزنند. بنی صدر در کارنا مهر رئیس جمهور کماکان به رقبایش تیش میزند و در عوض حزب کمپسوری نیز ندیدها به آنها حمله میکند، معا دیخواه نماید ه مجلس روزنا هدا انقلاب اسلامی را در خط آمریکا دانست و تلویحیا بنی صدر را بخاطر نوشتن مقاله ای در مورد شخص آمریکا می نامید!

بقیه در صفحه ۱۸

"جنگ و جنگ قدرت جناحهای رقیب رژیم"

چنگاگر "تندیج" دیگری برای نیروهای کمونیستی بود، تا بخش بگرونا بگیرد آنرا هر چه بیشتر عیان کند. سر بلائی تند دیگری برای هیئت حا که نیز بود هما نظور که رسما است، اسبها در سر بلائی یکدیگر را گا ز میگیرند! چنگاگر چه بظا هر مدت کوتاهی جناحهای رقیب در هیئت حا که را سرگرم کرده اما حسدت یابی مبارزه طبقا تی، با دیگر بیشتر آنها را بجان هم انداخت. حزب کمپسوری که در یک دوره با بدست گرفتن اکثریت مجلس ویست نخست وزیر و قدرت بیشتری یافته بود، با شروع جنگ ایران و عراق خود را مواجها با قدرت گیری هر چه بیشتر بنی صدر و لیبرالها میبینند و میکوشد با شیا جم خود برای حفظ قدرت های بدست آورده و افزایش این قدرت، به تضعیف قدرت حریف خود در قدرت سیاسی بپردازد. و در راه با شیا جم جدید حزب کمپسوری، در هفته گذشته بنی صدر بطور کلی اعمال قدرت را در رادیو - تلویزیون، ایسن مرکز مهم تبلیغاتی تا حدود زیادی از دست داد. (۱).

هیئت حاکمه و جنگ قدرت بر سر رادیو - تلویزیون

دعوائی که از ما هیا پیش بر سر تمام حاسب رادیو و تلویزیون بین جناح بنی صدر و "حزب کمپسوری اسلامی" در گرفته، این روزها ابعاد گسترده تری بخود گرفته است. بنا بر همین که دستگا ههای تبلیغاتی بویژه رادیو و تلویزیون در جهت دادن به افکار عمومی دارد، هر کدام از جناحهای قدرت حا کم کوشش مینمایند که حا کمیت خود را بر رادیو و تلویزیون اعمال نموده و سیاست تبلیغاتی خود را بر آن حا کم گردانند. انتصاب و عزل مدیران از طرف یک جناح و مقاومت جناح مقابل، انتصاب مدیرا خبار از طرف آیت الله خمینی و کشاکش کدر "مجلس" بر سر نحوه انتخاب "شورای مدیریت" رادیو و تلویزیون در گرفته است، تبارزی از این جنگ قدرت برای بدست گرفتن کنترل این دستگاه

بقیه در صفحه ۱۸

محاکمه سعادت توطئه ای دیگر بر علیه نیروهای انقلابی

بدنبال اعلام ممنوعیت انتشار نشریات "با زوی انقلاب" و "فریاد کودتاشین" و نشریات سازمان مجاهدین خلق، روز دوشنبه ۱۲ آبان با اصلاح دادستان انقلاب، طی اطلاعیه ای اعلام کرده کلیه نشریات این سازمان اعم از روزنا هدا و اعلامیه ممشوع انتشار رسیده و در صورت تخلف "طبق قانون دادگا ههای انقلاب رفتار خواهد شد". پس از این اطلاعیه، رژیم بلافاصله آغاز محاکمه محامدمدرضا سعادت را اعلام کرد. آنچه که در این مورد قابل تعمق است همزمانی ممنوعیت انتشار کلیه نشریات مجاهدین خلق و محاکمه سعادت، با تصمیم گیری مفتضحانه مجلس در مورد گروگانها و رابطه تمام مسائل فوق با جنگ ایران و عراقی میباشد.

بقیه در صفحه ۱۹

چه کسانی بر علیه پیکار لجن پراکنی میکنند

در بی شدید دشمنی با سازمان پیکار بخاطر موضوع انقلابی و کمونیستی اش در عرصه مبارزه طبقا تی و بخصوص جنگ غیرعا دلانه کنونی رفقای گیلان، اعلامیه ای منتشر کرده و در آن دلیل شدید فشا ربر روی سازمان را افشا کرده اند. شدید فشا در گیلان، چاپ سرمقاله در روزنا هدا رجا می اطلاعات و مقاله ای در جمهوری اسلامی، تیرباران رفقا اشرفی، نیک انصدام و دانشا در خوزستان و شدید فشا در سراسر ایران نشانده این است که رژیم خا ثنا نه لبه تیز حمله خود را بویژه بسوی ما گرفته است. اما ما موظفیم با اتکاء به زحمات کنان به افشای جنایات رژیم پرداخته و توطئه های جمهوری اسلامی را خنثی کنیم.

بقیه در صفحه ۱۷

مبارزه با امیرالیمیرا لیسما از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست